



تجارب و درس آموخته های طرح های مرتبط با مناطق حفاظت عر فی جوامع محلی

برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی برنامه عمران ملل متحد ایران



SGP The GEF
Small Grants
Programme





تجارب و درس آموخته های طرح های مرتبط با مناطق حفاظت عرفی جوامع محلی

تهیه شده در
دفتر برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی
عمران ملل متحد، جمهوری اسلامی ایران

چاپ اول، پاییز ۱۳۹۹

این اثر تحت حمایت قانون حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان قرار داشته و مالکیت معنوی آن متعلق به
برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد است.





۱ پیشگفتار

۴ بخش یکم: معرفی مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی

- ۷ اهداف تنوع زیستی آپچی
- ۸ کنسرسیوم بین المللی مناطق حفاظت شده عرفی
- ۸ مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی در اسناد ملی و بین المللی
- ۱۰ توجه اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت به مناطق تحت حفاظت جوامع محلی
- ۱۱ مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی در ایران
- ۱۲ برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد (GEF/SGP/UNDP) و مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی

۱۵ بخش دوم: تجرب و درس آموخته های برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد در زمینه مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی در ایران

- ۱۶ نظام عرفی حفاظت و بهره برداری پایدار از مناطق جنگلی
- ۱۷ گلارزی؛ مدیریت سنتی جنگل در روستای هواره خول کردستان
- ۲۰ نظام های عرفی کشاورزی سازگار با مناطق خشک
- ۲۱ چال سنبک
- ۲۵ صندوق و بانک محلی بذره های بومی
- ۲۹ نظام های عرفی حفاظت و بهره برداری پایدار از مناطق دریایی - ساحلی
- ۳۰ احیاء ذخایر دریایی منطقه سلخ
- ۳۲ مشارکت مردم محلی در حفاظت از لاک پشت پوزه عقابی
- ۳۴ نظام های عرفی حفاظت و بهره برداری پایدار از مناطق مرتعی
- ۳۵ احیاء قرق های بومی و مدیریت عرفی منابع طبیعی در دشت لاله های واژگون
- ۳۸ مشارکت مردم محلی در احیاء گونه کرفس کوهی
- ۴۰ گردشگری جامعه بنیاد در قلمرو عشایر تیره هیبت لو ایل قشقایی
- ۴۳ نظام های عرفی حفاظت و بهره برداری پایدار از مناطق تالابی
- ۴۴ حفاظت مشارکتی از تنوع زیستی تالاب کانی برازان
- ۴۶ احیاء مشارکتی تالاب سیرانگلی (درگه سنگی)
- ۴۹ دامگاه های سنتی فریدونکنار
- ۵۲ نظام های عرفی حفاظت و بهره برداری پایدار از مناطق بیابانی
- ۵۳ ابتکار محلی عشایر کوچرو ایل ابوالحسنی جهت کاهش اثرات خشکسالی
- ۵۶ میراث ناملموس معنوی و ارتباط آن با حفاظت عرفی
- ۵۷ ثبت دانش بومی ایل قشقایی در مدیریت منابع و قلمرو در منطقه زاگرس
- ۶۵ ظرفیت سازی در زمینه مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی
- ۷۰ بخش سوم: شاید بپرسید

۷۴ پیوست ها

۸۱ منابع مورد استفاده

پیشگفتار

مفهوم کهن حفاظت که گرد و غبار زمانه از آن برداشته شده، در دو دهه اخیر مجدد مورد توجه جهانیان قرار گرفته تا جای خود را در قوانین جدید حفاظت از طبیعت (قلمرو، منطقه یا گونه) و نیز ارزش های فرهنگی مرتبط با آن از جمله دانش بومی مردمان محلی باز کند.

اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت در سال ۲۰۰۳ میلادی در پنجمین کنگره جهانی پارک ها برای نخستین بار از عنوان "مناطق تحت حفاظت عرفی مردم محلی" نام برد؛ مناطقی که دارای ارزش های متنوع زیستی- فرهنگی بوده و در این مناطق فعالیت های حفاظتی، صدها و شاید هزاران سال توسط مردم محلی و با هدف معیشت پایدار جریان داشته و دارد. اگر چه این مناطق از حیث وسعت، قدمت، منابع زیستی، ارزش ها، کاربردها، میزان به رسمیت شناخته شدن و نیز میزان تصدیگری محلی، تنوع زیادی دارند اما در یک وجه مشترکند و آن حفظ منابع طبیعی و فرهنگی با استفاده از دانش بومی و حکمروایی آن مناطق توسط مردم محلی و با بهره گیری از قوانین عرفی است.^۱

کتابچه ای که در اختیار دارید، با هدف آگاهی بخشی در خصوص مفهوم و اهمیت مناطق تحت حفاظت عرفی مردم محلی، درس آموخته ها و اشتراک تجارب طرح های مشترک با برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد در ایران، تدوین و در اختیار شما قرار گرفته است. جهت گردآوری مطالب از اسناد آرشیوی طرح های مشترک با برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد، کتب درس آموخته های طرح ها، کتب لاتین، مصاحبه با افراد ذینفع طرح ها و بازدیدهای میدانی بهره گرفته شده است. لذا بدین وسیله جا دارد تا از مساعی جوامع محلی در به اشتراک گذاشتن دانش بومی، سازمان های غیردولتی در برقراری ارتباط با جوامع محلی و ذینفعان دولتی جهت حمایت هایشان از این موضوع، قدردانی گردد. قطعاً تلاش های زنده یاد دکتر تقی فرورز رئیس وقت کنسرسیوم بین المللی فرق های بومی و مرحومه غنیمت اذری، در تبیین مفهوم "مناطق تحت حفاظت عرفی مردم محلی" در کشورهای مختلف جهان و از جمله ایران هیچگاه فراموش شدنی نیست.

در این مجال جا دارد تا از مرحوم دکتر هدایت غضنفری، عضو هیات علمی دانشگاه کردستان و پایه گذار طرح جنگلداری مشارکتی در استان کردستان در راستای مدیریت پایدار برداشت در گلابارها و نیز توجهی که آن مرحوم به جایگاه ویژه مردم محلی در حفاظت از جنگل داشت یاد شود. طرح جنگلداری اجتماعی در این استان، از جمله نخستین طرح های مرتبط با مناطق تحت حفاظت عرفی مورد حمایت برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد بود.

در متن کتابچه، واژه هایی از جمله جامعه^۲، قلمرو یا سرزمین^۳ و حفاظت^۴ بارها تکرار می شود؛ جامعه به مردم محلی و یا جامعه محلی ساکن و یا کوچنده اشاره دارد و واضح است که ممکن است مجموعه ای از چند جامعه محلی مختلف در حکمروایی یک منطقه و یا زیستگاه نقشی موثر

2 Community

3 Territory

4 Conservation

داشته باشند. قلمرو، به عرصه ها و یا زیستگاه های خشکی، ساحلی، دریایی و تنوع زیستی- فرهنگی مرتبط با آن اطلاق می شود. منظور از حفاظت نیز تعامل سازنده بین مردم و محیط زیست پیرامونشان است که این تعامل منجر به حفظ، بهره برداری پایدار، احیاء و غنای طبیعت می شود.

امید که تدوین این کتابچه بتواند به سهم خود در تبیین مفهوم مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی در ایران نقش ایفا کند. قطعاً شناسایی مناطقی که هزاران سال توسط مردم محلی حفاظت شده و می شوند، می تواند دستاوردهای فرهنگی- اجتماعی و محیط زیستی مختلف و ارزشمندی همچون آگاهی از سرمایه های فرهنگی- تاریخی و طبیعی این سرزمین و پستوانه سازمانی آن از جمله نهادهای حکمروایی محلی را به همراه داشته باشد. همچنین، این شناسایی می تواند به مدیریت شایسته تر مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی، تسهیل ارتباطات جوامع محلی و سایر ذینفعان دولتی و غیر دولتی و نیز مسئولیت پذیری بیشتر جوامع محلی در حفاظت و احیاء تنوع زیستی و فرهنگی کمک کند.

بدیهی است که حفاظت از فرهنگ و طبیعت با مشارکت جوامع محلی، سبب پایداری زیست بوم شده که در نهایت منتج به معیشت پایدارتر آن جوامع می شود. از سوی دیگر، از بین رفتن این نظام های عرفی حفاظت، بستر حفاظت از منابع طبیعی را شکننده تر و روند تخریب طبیعت و زوال فرهنگ مرتبط با آن را سرعت می بخشد.

امید است با شناسایی، مستند سازی، تقویت و به رسمیت شناختن مناطق تحت حفاظت عرفی مردم محلی، به حفظ هر چه بیشتر ارزش های مادی، معنوی، فرهنگی، اجتماعی و طبیعی کشورمان همت گمارده و قبل از آنکه بخش قابل توجهی از این سرمایه ها از دست رود، شناسایی و به رسمیت شناختن آنها را سرعت ببخشیم. بدون تردید این مهم، عزمی ملی طلبیده و نیازمند همکاری و یاری تمامی دست اندرکاران است.

مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی

چندین هزار سال است که جوامع محلی از دانش و روش های حکمرانی سنتی/عرفی جهت مدیریت طبیعت و منابع طبیعی برخوردار بوده و زیست بوم های طبیعی را با بهره گیری از دانش بومی و قوانین عرفی حفظ کرده اند. در واقع، در بسیاری از نقاط جهان، تاریخ حفاظت از طبیعت و بهره برداری پایدار از سرزمین توسط مردم محلی، قدیمی تر از مناطق حفاظت شده امروزی اعلام شده توسط دولت هاست. این در حالی است که این قلمروهای حفاظت شده محلی، در چارچوب ها و تعاریف حفاظت رسمی دولت ها، اغلب مورد کم توجهی قرار گرفته و یا به رسمیت شناخته نشده اند.

از دیرباز زندگی جوامع محلی با منابع طبیعی از جمله خاک و آب عجین شده و این ارتباط طولانی و وابستگی به منابع محلی، باعث کسب دانش محلی و سنتی و در نتیجه منتج به مدیریت عرفی و معیشت های پایدار این مناطق شده است. کنوانسیون تنوع زیستی سازمان ملل متحد در حال حاضر این محدوده ها را به طور کلی به عنوان "سرزمین ها و مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی" به رسمیت می شناسد.

مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی، اکوسیستم های طبیعی و یا تغییر یافته دارای ارزش های متنوع زیستی- فرهنگی و خدمات زیست محیطی هستند که در آن فعالیت های خودجوش حفاظتی توسط جامعه محلی چه ساکن و چه کوچ کننده، از طریق قوانین عرفی و دیگر ابزارهای موثر مدیریت همراه با بهره برداری پایدار انجام می شود.^۵

در این رویکرد، کلیه اشکال بهره برداری خردمندانه از سرزمین شامل مدیریت پایدار تنوع زیستی، اشکال مختلف تولید و بهره برداری از منابع طبیعی همچون کشاورزی، دامداری و آبرزی پرورری، صید آبریان و همچنین ایجاد و مدیریت مناطق تحت حفاظت را که منجر به حفاظت طبیعت شود و توسط جوامع محلی با اتکا به دانش بومی شان صورت

می گیرد، مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی^۶ نامیده اند. وسعت و پهنه این مناطق می تواند از یک مساحت کوچک برای مثال بیشه زارهای مقدس کمتر از یک هکتار تا عرصه های وسیعی همچون پارک محلی ۳۰ هزار کیلومتر مربعی زینگو در برزیل باشد.^۷ برخی از این مناطق جزئی از مناطق حفاظت شده ملی بشمار می آیند؛ برای مثال در استرالیا، بیست منطقه تحت حفاظت عرفی جوامع محلی، ۲۰ درصد از پهنه مناطق حفاظت شده ملی آن را تشکیل می دهد.^۸

در یک منطقه تحت حفاظت عرفی مردم محلی، جامعه محلی دارای روابط نزدیک و عمیقی با قلمرو، منطقه یا زیستگاه بوده، نقش اصلی را در تصمیم گیری های مربوط به منطقه مورد نظر داشته و قادرند در عمل یا طبق قوانین عرفی، مقررات خود را اعمال کرده و به اجرا گذارند. فارغ از آنکه انگیزه اصلی یا عمده آن جامعه محلی چه بوده باشد، در نهایت این تصمیم ها و تلاش ها منجر به حفظ تنوع زیستی، نقش ها و منافع زیستی می گردد.

در جهان امروز، هزاران قلمرو و مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی در زیست بوم های بیابانی، جنگلی، مرتعی، تالابی، رودخانه ای و امتداد نوار ساحلی و مناطق دریایی وجود دارد. هرچند به سرعت وسعت و تنوع این مناطق در جهان در حال کاهش است؛ عوامل زیادی این مناطق و فرهنگ بومی حفاظت را مورد تهدید قرار داده اند که از این میان می توان به جنگل زدایی، شهرسازی، کشاورزی و دامپروری صنعتی، جاده سازی، بهره برداری از معادن، کاهش کمی و کیفی آب شیرین، بلایای طبیعی و تغییر اقلیم اشاره کرد.

اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت^۹ سه ویژگی برای این مناطق حفاظت شده عرفی و محلی تعریف نموده است^{۱۱}:

6 Community Conserved Areas, CCAs

7 Oviedo, G. (2006)

8 Smyth, D. (2006)

9 International Union for Conservation of Nature (IUCN)

10 Pathak, N. et al., (2004)

11 Corrigan, C., & Hay-Edie, T. (2013)

۱. ارتباطی قوی و نزدیک میان مردم محلی با یک قلمرو/محدوده/گونه، به دلایل فرهنگی و معیشتی وجود دارد.

۲. مردم محلی نقش کلیدی در تصمیم‌گیری در مورد مدیریت این قلمرو/محدوده/گونه دارند.

۳. تصمیمات مدیریتی جامعه محلی به طور موثر منجر به حفاظت از قلمرو/محدوده/گونه مورد نظر می‌شود، حتی اگر حفاظت هدف اصلی جامعه محلی نباشد.

به عبارت دیگر، مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی، حاصل سه ویژگی کلیدی از جمله ارتباط قوی جامعه محلی و قلمرو، نهاد و سازوکار حکمرانی کارآمد و دارای تاثیر مثبت برای حفظ طبیعت و پایداری معیشت مردم محلی هستند.

در صورتی که یک منطقه تحت حفاظت جوامع محلی تمامی این سه ویژگی فوق را نداشته باشند، می‌توان با برنامه ریزی مشارکتی به سمت وضعیت مطلوب (دارای هر سه ویژگی) پیش رفت.

در دهه های پیش، مشارکت جوامع محلی در دستیابی به اهداف حفاظت جهانی طبیعت جایگاه مهمی نداشته اما خوشبختانه این نگاه در حال تصحیح بوده و روز به روز، آگاهی از نقش مهم و موثر جوامع محلی در حفاظت از اکوسیستم ها رو به افزایش است.

کنوانسیون تنوع زیستی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ میلادی، چارچوبی با نام آیچی ۲۰۲۰ را به تصویب رساند که در آن تاکید کرد جوامع محلی در مدیریت تنوع زیستی نقشی حیاتی دارند. از جمله اهداف آیچی که به نقش جوامع محلی در حفاظت اشاره نموده اند، موارد ذیل هستند:

هدف ۱۱ به اهمیت اقدامات اجتماع محور محلی، برای حفاظت از تنوع زیستی، اکوسیستم ها و معیشت های پایدار (مناطق حفاظت شده)؛ هدف ۱۴ به خدمات اکوسیستمی و هدف ۱۸ به دانش سنتی و بومی اشاره کرده است.

اهداف تنوع زیستی آیچی

کنوانسیون تنوع زیستی در دهمین کنفرانس متعهدین که در سال ۲۰۱۰ در ناگویای ژاپن برگزار شد، پنج هدف کلی راهبردی (که در مجموع در برگیرنده ۲۰ هدف فرعی است) را برای سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ در نظر گرفت و این اهداف را اهداف تنوع زیستی آیچی نام نهاد. در سه هدف به طور خاص به مشارکت جوامع محلی در حفاظت از منابع طبیعی اشاره شده است:

هدف شماره ۱۱ آیچی

تا سال ۲۰۲۰ میلادی، حداقل هفده درصد از مناطق خشکی و آب‌های داخلی و ده درصد از مناطق دریایی و ساحلی، به خصوص مناطقی که دارای اهمیت ویژه‌ای از لحاظ تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی می‌باشند، از طریق مدیریت موثر و عادلانه حفاظت شوند. این مناطق می‌توانند در برگیرنده موارد زیر باشند: مناطقی که از نظر اکولوژیکی شاخص باشند؛ مناطقی که در برگیرنده نظام‌های بهم پیوسته مناطق حفاظت شده باشند و سایر اقدامات حفاظتی مؤثر منطقه‌ای و محلی (مانند قرق‌های بومی مناطق تحت حفاظت عرفی و محلی).

هدف شماره ۱۴ آیچی

تا پایان سال ۲۰۲۰ میلادی، زیست بوم‌های ارائه دهنده خدمات کلیدی نظیر خدمات مرتبط با آب، خدماتی که در سلامتی، معیشت و رفاه مردم نقش دارند، ضمن در نظر گرفتن نیازهای زنان، جوامع محلی و بومی و قشر فقیر و آسیب‌پذیر، احیاء و حفظ شوند.

هدف شماره ۱۸ آیچی

تا پایان سال ۲۰۲۰ میلادی، دانش بومی و سنتی، ابداعات و فعالیت‌های جوامع بومی و محلی در ارتباط با حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی و بهره‌برداری مرسوم آن‌ها از منابع زیستی، مورد توجه و احترام قرار گرفته و در مقررات و قوانین ملی و بین‌المللی دیده شود. نیاز است این فعالیت‌ها به طور کامل با مشارکت موثر جوامع بومی و محلی در اجرای کنوانسیون تلفیق و منعکس گردد.

جهت گسترش وسعت و شناخت بیشتر انواع مختلف مناطق حفاظت شده محلی برای دستیابی به اهداف آبی ۲۰۲۰، طرحی با عنوان "اقدام حمایت جهانی از مناطق تحت حفاظت جوامع محلی"^{۱۲} شکل گرفته است که هدف اصلی آن کمک به شناسایی و اثربخشی حفاظت از تنوع زیستی، معیشت پایدار و تاب آور در برابر اثرات تغییر اقلیم، توسط جوامع محلی، در سرزمین ها و مناطق حفاظت شده است.

کنسرسیوم بین المللی مناطق حفاظت شده عرفی

کنسرسیوم مناطق حفاظت شده عرفی (قرق های بومی) یک انجمن بین المللی است که برای پشتیبانی و به رسمیت شناخته شدن این مناطق تشکیل شده است. اعضا این کنسرسیوم را عمدتاً سازمان های محلی، جوامع بومی و سازمانهای مردم-نهادی که با جوامع محلی کار می کنند، تشکیل می دهد. اعضا افتخاری کنسرسیوم افراد متخصص و متعهد در این زمینه هستند. فعالیت های کنسرسیوم از سطح محلی (اقدامات مربوط به حفاظت عرفی) تا سیاست گذاری ها در سطح ملی و بین المللی است که شامل ظرفیت سازی در زمینه پژوهش و انتشار گزارشات تخصصی نیز می شود. این کنسرسیوم، به عنوان یک نهاد بین المللی، با دبیرخانه کنوانسیون تنوع زیستی، برنامه کمک های کوچک و برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت، موسسات پژوهشی و بخش های دیگری از سازمان ملل متحد برای احقاق حقوق جوامع محلی و بومی همکاری می کند.

مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی در اسناد ملی و بین المللی

قانون اساسی به عنوان بنیادی ترین قانون کشور در اصل پنجاهم خود، اشاره دارد که "در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است."

اصل مذکور بر مشارکت عمومی و مردمی در حفاظت از طبیعت تاکید داشته و بر ضرورت نقش آحاد مردم از جمله جوامع محلی در اجرای

فعالیت هایی که منجر به حفاظت از طبیعت می شود اشاره دارد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۴، در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، در نامه‌ای به روسای قوا، "سیاست‌های کلی محیط زیست"^{۱۳} را در محورهایی همچون ایجاد نظام یکپارچه ملی محیط زیست، مدیریت هماهنگ و نظام‌مند منابع حیاتی، جرم‌انگاری تخریب محیط زیست، تهیه اطلس زیست‌بوم کشور، تقویت دیپلماسی محیط زیست، گسترش اقتصاد سبز و نهادینه سازی فرهنگ و اخلاق زیست محیطی ابلاغ نمودند. در بند یک این سیاست‌ها به مدیریت جامع، هماهنگ و نظام‌مند منابع حیاتی (از قبیل هوا، آب، خاک و تنوع زیستی) مبتنی بر توان و پایداری زیست‌بوم به ویژه با افزایش ظرفیت‌ها و توانمندی‌های حقوقی و ساختاری مناسب همراه با رویکرد مشارکت مردمی اشاره شده است.

همچنین بند ششم سیاست‌های مذکور، بر مدیریت اکوسیستم‌های حساس و ارزشمند (از قبیل پارک‌های ملی و آثار طبیعی ملی) و حفاظت از منابع ژنتیک و ارتقاء آنها تا سطح استانداردهای بین‌المللی تاکید دارد. ایشان در بند دوازدهم به ضرورت ترویج و نهادینه سازی فرهنگ و اخلاق زیست محیطی مبتنی بر ارزش‌ها و الگوهای سازنده ایرانی - اسلامی و در بند سیزدهم به بهره‌مندی از تجارب سازنده بومی در زمینه حفظ تعادل زیست‌بوم‌ها و پیشگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست اشاره کرده‌اند. بند چهاردهم سیاست‌های کلی محیط زیست نیز بر تقویت فرهنگ و معارف دینی مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای حفظ محیط زیست در تمام سطوح و اقشار جامعه تاکید دارد.

قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)^{۱۴}، در بند "الف" ماده ۳۱ به مکلف بودن دولت در توسعه کشاورزی حفاظتی و خوداتکایی در تولید بذل اشاره دارد. در بند "ب" ماده ۳۸ دولت مکلف به اجرای برنامه عمل حفاظت، احیاء، مدیریت و بهره‌برداری مناسب از تالاب‌های کشور با مشارکت جوامع محلی شده است.

در بند "ر" همین ماده به ارتقاء پوشش صددرصدی حفاظت از جنگل ها، مراتع و اراضی ملی و دولتی و مناطق چهارگانه زیست محیطی با مشارکت جوامع محلی اشاره و در بند "ط" نیز به تدوین و اجرای برنامه عمل حفاظت و مدیریت مناطق چهارگانه محیط زیست با رویکرد بهره گیری از ظرفیت های داوطلبانه با اولویت جامعه محلی تاکید شده است.

همچنین مناطق تحت حفاظت عرفی مردم محلی در چندین رویداد بین المللی به رسمیت شناخته شده است که از این میان می توان به پنجمین کنگره پارک های جهان (دوربان، آفریقای جنوبی، ۲۰۰۳)، هفتمین کنفرانس کنوانسیون تنوع زیستی (کوالالامپور، مالزی، ۲۰۰۴)، سومین کنگره جهانی حفاظت (بانکوک، تایلند، ۲۰۰۴)، اعلامیه سازمان ملل در مورد حقوق جوامع محلی (۲۰۰۷) و چهارمین کنگره جهانی حفاظت (بارسلونا، اسپانیا، ۲۰۰۸) اشاره کرد^{۱۵}.

توجه اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت به مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی

دستورالعمل های اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت^{۱۶} جهت مدیریت حوزه های حفاظت شده، حاکی از آن است که انواع مختلف مناطق حفاظت شده می تواند چه به صورت منفرد و یا مشارکتی توسط سازمان های دولتی، سازمان های غیردولتی، جوامع محلی، شرکت ها و بخش خصوصی اداره شود. اکنون، این طبقه بندی توسط سازمانهای بین المللی به رسمیت شناخته شده و تبدیل به یک استاندارد جهانی برای برنامه ریزی و مدیریت مناطق حفاظت شده گردیده است (جدول ۱).

15 Ghayoumi, R., (2014)

16 International Union for Conservation of Nature, IUCN

جدول ۱: طبقه بندی مناطق حفاظت شده توسط اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت^{۱۷}

انواع تصدیگری	الف) تصدیگری دولتی		ب) تصدیگری اشتراکی		ج) تصدیگری خصوصی		د) تصدیگری محلی	
	ارگان دولتی مسئول در سطح ملی	مجلس محلی	ارگان دولتی مسئول در سطح و محلی	مدیریت واکارزنده توسط بخش دولتی (دری مثال به سرنها)	مدیریت مناطق فرامری	ارگوهایی (دینج)	مدیریت مشارکتی (مدون نهاد تصدیگری مشکل)	مدیریت مشترک (دارای نهاد تصدیگری مشکل از گروههای دینج)
طبیقات ششگانه مدیریت ^{۱۸}								
۱- الف: ذخیره گاه طبیعت محدود شده								
۱- ب: منطقه بکر و مهار شده								
۲- پارک ملی								
۳- اثریادمان طبیعی								
۴- منطقه تحت مدیریت برای حفاظت زیستگاه یا گونه								
۵- منظر خشکی و دریایی حفاظت شده								
۶- منطقه حفاظت شده برای مدیریت منابع								

مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی در ایران

ایران در کمربند خشک و نیمه خشک کره زمین قرار دارد؛ جغرافیای این کشور به همراه غنای تنوع زیستی آن در طول تاریخ سبب شده تا جوامع محلی متعددی به منظور حفظ و استفاده خردمندانه از منابع طبیعی، به قوانین طبیعت احترام گذاشته و به نحوی از این منابع استفاده کنند که در دراز مدت پایدار باشد. هنوز هستند جوامع محلی در جای جای ایران، که دانش بومی و نظام های حکمرانی، مدیریت و حفاظت از طبیعت و منابع آن با قدمت بیش از صدها و هزاران سال حفظ شده است. لذا جوامع محلی و عشایری ایران دارای دانش بومی ارزشمند و باورهای معنوی منحصر به فردی در رابطه با حفظ منابع طبیعی هستند که منجر به حفظ

طبیعت و حفظ معیشت آنان شده است (دامداری، کشاورزی، ماهیگیری و جنگلداری نمونه هایی از آن هستند). آنان با زیستن در طبیعت، به قوانین آن آشنا و طبق همین قوانین معیشت خود را می گذرانند و این رابطه همزیستی به شکلی است که با شرایط محیطی متنوع خود را تطبیق داده و به تعبیر امروزی ها، سازگار اقلیم شده اند.

تنوع اقوام از جمله بلوچ، گیلک، کرد، لر، فارس، ترک، ترکمن، خوزی و بسیاری دیگر به ایجاد رنگین کمانی از فرهنگ ها، زبان ها، آیین و سنن و شیوه های حفاظت از منابع طبیعی و حکمرانی محیط زیست منجر شده است. به عبارتی در پنج زیست بوم بزرگ کشور، میراث غنی از تنوع زیستی - فرهنگی به چشم می خورد که امروزه در محافل علمی به عنوان نظام های اجتماعی - اکولوژیک^{۱۹} از آنها یاد می شود.

برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد و مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی

اساس کار برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد^{۲۰}، توانمندسازی مردم برای حفظ محیط زیست خودشان است و اینکه اگر مردم از اطلاعات و دانش لازم بهره مند باشند، بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی در گرو مدیریت بلند مدت و مناسب منابع طبیعی است. در ایران این برنامه که از سال ۱۳۸۰ آغاز به فعالیت نموده، به حمایت از جوامع محلی و سازمان های مردم نهاد پرداخته است تا سازمان های محلی و مردم نهاد، خود به شناسایی و ارائه راه حل هایی پردازند که موجب حل مشکلات محلی و بعضاً با اهمیت برای محیط زیست جهانی می شود. برنامه کمک های کوچک در ایران، تاکنون از قریب به سیصد طرح در زمینه های کاری حفاظت از تنوع زیستی، کاهش اثرات تغییر اقلیم، کاهش تخریب سرزمین، حفاظت از زیست بوم آب های بین المللی و کاهش مواد آلی پایدار حمایت کرده است.

در سال ۱۳۹۶، در نخستین جشنواره تجربیات موفق سمن های زیست محیطی

19 Socio-ecological Systems (SES)

20 GEF/SGP/UNDP

که توسط سازمان حفاظت محیط زیست کشور برگزار شد، از میان ۳۵ طرح موفق، ده طرح مشترک این برنامه به عنوان طرح های موفق ملی شناخته و از آنها با حضور معاون رییس جمهور و رییس وقت سازمان حفاظت محیط زیست کشور تقدیر بعمل آمد.

در برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد، در طی فراخوان رسمی از طریق سایت سازمان ملل متحد در ایران، طرح ها توسط سازمان های محلی و مردم نهاد تهیه و سپس به دفتر برنامه مذکور ارسال می شوند. طرح ها توسط اعضای کمیته راهبری ملی برنامه، مورد ارزیابی قرار می گیرند. اعضای کمیته راهبری ملی شامل نمایندگانی از وزارت امور خارجه، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان حفاظت محیط زیست، دانشگاهها، سازمان های مردم نهاد و نمایندگان جوامع محلی است.

در سال های اخیر، تلاش های ملی و بین المللی متعددی برای به رسمیت شناختن مناطق تحت حفاظت مردم محلی، ایجاد صندوق های معیشت پایدار عشایری، تقویت اتحادیه های عشایری و اجرای طرح های حفاظت و معیشت محلی انجام شده است. همسو با این تلاش ها، برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد، علاوه بر اختصاص بودجه در فاز عملیاتی ششم^{۲۱}، با حمایت مالی کشور آلمان و در قالب طرح "اقدام حمایت جهانی از مناطق تحت حفاظت جوامع محلی" از سال ۲۰۱۶ محورهای راهبردی برنامه در این زمینه را مشخص و به تصویب کمیته راهبری رساند و بیش از سی طرح در زمینه حفظ و احیاء مناطق تحت حفاظت عرفی مردم محلی را مورد حمایت مالی قرار داد.

این کتابچه تلاش می کند تا ضمن معرفی طرح های اجرا شده با حمایت برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد، تصویری از ابتکارات الهام بخش و امیدوارانه جوامع محلی در مناطق تحت حفاظت خود که با بهره گیری از دانش بومی اجرا شده اند، را ارائه دهد. ابتکاراتی که هر یک می تواند الگویی برای

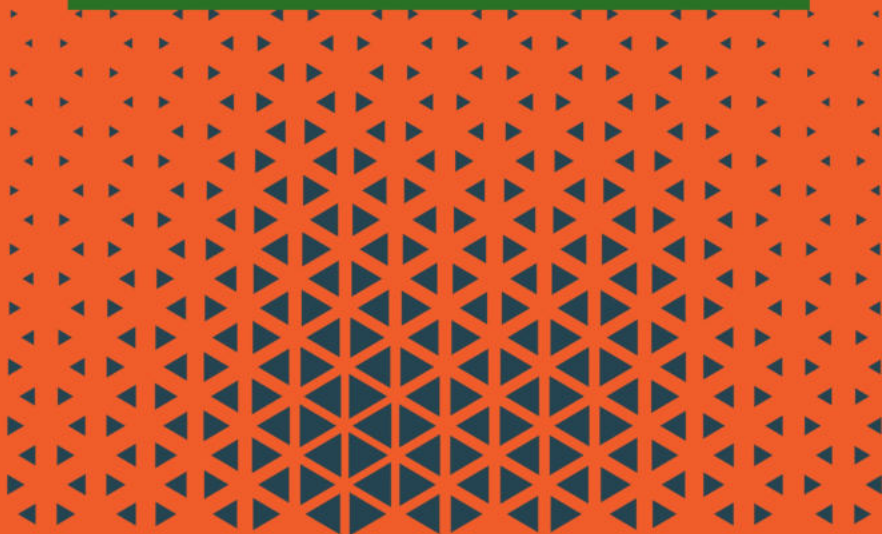
معیشت پایدار مردم محلی، امنیت زیستی و غذایی و نیز بهره برداری پایدار از سرزمین در شرایط بی ثباتی اقلیمی عصر حاضر باشد.

تجارب و درس آموخته های
برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی
عمران ملل متحد
در زمینه مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی
در ایران



روستای جنگلی راگوس

نظام عرفی حفاظت و بهره‌برداری پایدار از مناطق جنگلی



گلازنی؛ مدیریت سنتی جنگل در روستای هواره خول کردستان

روستای هواره خول در ۱۳ کیلومتری شرق محور بانه-مریوان در استان کردستان واقع است. برگ بلوط، علوفه اصلی بز، دام غالب روستا است. وجود جنگل متراکم در منطقه و وابستگی معیشتی مردم محلی به جنگل سبب شکل گیری نوعی دانش بومی برای بهره برداری از جنگل برای تامین علوفه دام شده است. ریش سفیدان محلی، قدمت دانش محلی جنگلداری هواره خول را حدود چهارصد سال می دانند. در این شیوه محلی جنگلداری، هر خانوار روستا، به صورت عرفی محدوده ای از جنگل را در اختیار دارد که در زبان عامیانه آنان، گلاجار گفته می شود؛ گلازنی هم در گویش محلی کردی، به قطع شاخ و برگ درختان بلوط گفته می شود. در طی گلازنی، بهره بردار محلی، با بکارگیری ترکیبی از روش شاخه زاد همسال و شاخه زاد ناهمسال، علوفه دام و چوب لازم برای هیزم و چوب سازه های ساختمانی مورد نیاز خود را تامین می کند. در حقیقت، در این شیوه چند صد ساله مبتنی بر دانش بومی، هدف تضمین استمرار تولید جنگل است. در شیوه یاد شده، توسط قوانین عرفی و بر اساس برنامه ریزی مردم محلی تناوب سه ساله در گلاجارها اجرا می شود. از اینرو، بهره برداری بی رویه جای خود را به بهره برداری پایدار از جنگل می دهد^{۲۲}.

در طرحی که با مشارکت انجمن جوانان حافظ زمین و برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی در این روستا در طی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ انجام گرفت، دانش بومی جنگلداری تدوین و ثبت گردید و با اعتماد سازی محلی صورت گرفته، شیوه اصلاح شده جنگلداری محلی در منطقه با هدف ارتقاء سطح معیشت پایدار همراه با کاهش فشار بر منابع طبیعی اجرا شد. تلطیف سیاستهای اتخاذ شده سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری از طرح مبارزه با گلازنی به طرح ساماندهی گلازنی، افزایش دانش کارشناسان و مسئولین در مورد دانش سنتی گلازنی در منطقه، تشکیل مرکز پژوهش و توسعه جنگلداری زاگرس شمالی توسط دانشگاه کردستان در شهرستان بانه، وجه قانونی یافتن شکل اصلاح شده دانش سنتی گلازنی بر اساس اعلام شورای عالی جنگل، تهیه طرح های ساماندهی و مدیریت گلازنی در سایر مناطق روستایی استان، پژوهش های دانشگاهی در

قالب چندین پایان نامه دانشجویی و نیز ارایه چندین مقاله داخلی و خارجی از دستاوردهای دیگر این طرح بود. همچنین، سازمان جنگلها، در سال ۱۳۸۴ شمسی، این طرح را به عنوان طرح نمونه منابع طبیعی انتخاب نمود.

انتشار یک عنوان کتاب از تجارب و درس آموخته های طرح و نیز تدوین فیلمی از مراحل اجرایی با هدف اشتراک دانش، از دیگر اقدامات انجام شده بود.^{۲۳}

افزایش اطلاعات و حساسیت روستاییان نسبت به جنگل و اهمیت آن در زندگی آنان، توجه مردم به راههای معیشت جایگزین از جمله فعالیت هایی چون زنبورداری، شناخته شدن منطقه و افزایش اعتبار روستای هواره خول در میان روستاهای اطراف، تاسیس کتابخانه کوچک محلی در مسجد روستا، اقدامات اولیه برای تاسیس یک صندوق توسعه روستایی برای کمک به معیشت روستائیان و نیز تغییر نگرش جامعه محلی نسبت به حضور موثر زنان در زندگی اجتماعی از دستاوردهای اجرای طرح مذکور برای جامعه محلی بود.

همچنین بهبود اندوخته گیری در شاخه زاد روی درخت و برقراری سیستم تنظیم جنگل در شاخه زاد روی زمین از جمله پیامدهای مثبت اجرای طرح مذکور بود.



بناست جمهوری
ماده میراث فرهنگی، مساجد، بنیاد و مکتب

بهرت

در اجرائی ماده ۱۳ کنوانسیون بین المللی حفظ میراث فرهنگی ناموس؛ قانون احقاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون
مذکور مصوب سال ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی، و آیین نامه اجرائی آن، و ماده ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث
فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی، موضوع میراث فرهنگی ناموس «گلزاری»
با کسره موضوع فرهنگی ناموس: استان کردستان
به شماره ۱۱۴۱ در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۴ در فرست فنی میراث فرهنگی ناموس ثبت گردید.

مسود سلطانی فر

معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان

محمد حسن طالبیان

معاون میراث فرهنگی



مزارع خال سنگران ویدکل

نظام‌های عرفی کشاورزی سازگار با مناطق خشک

چال سنبک

دشت چال سنبک، در نوار بندریگ^{۲۴} در شش کیلومتری شمال شرقی آران و بیدگل در شمال استان اصفهان قرار دارد. متوسط بارش جوی منطقه ۱۲۵ میلی متر گزارش شده است. سطح سفره های آب زیر زمینی در چال سنبک به سبب گود بودن آن، در کمتر از یک متری سطح زمین قرار دارد. برخی از ریش سفیدان منطقه معتقدند که آب ذخیره شده در این منطقه، آبی باستانی بوده که چندین هزار سال است که در این منطقه محبوس شده است^{۲۵}. این ویژگی طبیعی سبب شده تا کشاورزان کویر در سده های اخیر، این منطقه را برای کشت دیم هندوانه و خربزه بومی منطقه آران و بیدگل انتخاب کنند.

مزارع دیم چال سنبک از جمله مناطقی هستند که به دلیل حفظ بقای انسانی در سرزمین های خشک و در میان امواج ماسه های سرگردان با تکیه بر دانش اکولوژی محلی از حدود ۳۰۰ سال پیش شکل گرفته اند. از گذشته های دور زارعان چال سنبک، اقدام به تسطیح چاله هایی کردند که سطوح آن ها با فاصله ۷۰ سانتیمتری، نزدیک به خط تراز ایستایی آبهای زیر زمینی است. عمق چاله ها از ۸ تا ۳۰ متر است که اطراف آن ها را توده های ماسه بادی در ارتفاعات متغیر تا ۴۰ متر و دارای شیب هایی تا ۶۰ درجه فرا گرفته اند و زارعان مجبورند برای جلوگیری از هجوم ماسه ها به کف چاله های زراعی، شیب های ماسه - بادی اطراف چاله ها را به وسیله فرو بردن نی های متسلسل در ماسه ها تثبیت کنند. زارعان این منطقه همچنین با جمع آوری گیاهان شن دوست مانند سوف از مراتع اطراف و فرو بردن یک سوم از پایه شاخه ها در سطوح چاله ها، اقدام به کثرت بندی در ابعاد مختلف تا ۵ متر در ۵ متر کرده تا از گیاهان مزرعه در برابر رسوبات ماسه های بادی که توسط باد جابجا می شوند حفاظت کنند. از آنجا که کشاورزان نیاز به احداث شبکه آبرسانی و جدول ندارند، بنابراین تمامی سطوح مزرعه به بستر کشت تعلق می گیرد.

تعداد چاله های منطقه سنبک در دهه ۳۰ خورشیدی بالغ بر ۳۶۰ چاله بوده و در

^{۲۴} نوار بندریگ، نواری طبیعی از شن های روان به طول ۱۲۰ کیلومتر و عرض متوسط ۲۵ کیلومتر و ارتفاع متوسط ۱۰۰۰ متر است که از جنوب غربی در حوالی اردستان به شمال غربی در حوالی آران و بیدگل کشیده شده است.
^{۲۵} گفتگو با مسعود عطارها، میراث یار کشاورزی و هماهنگ کننده طرح احیاء دشت چاله سنبک، ۱۳۹۸

سال ۱۳۸۰ تنها ۲۰ چاله در گردش تولید و انتفاع قرار داشت و سرانجام با توجه به اهمیت جهانی و ویژگی منحصر بفرد مزارع چال سنبک در سال ۲۰۰۷ میلادی برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی با همکاری فعالان محلی و کشاورزان فعال چال سنبک موفق شدند با ایجاد صندوق احیاء مزرعه چال سنبک، در طول سال های متمادی بخش قابل توجهی از چاله های متروک و مخروبه را احیاء و اصلاح کنند. در حال حاضر حدود یکصد چاله مزرعه به کشت هندوانه دیم اختصاص دارد و در کنار هندوانه در سطوح کوچکی، خیار، کدو و خربزه نیز کشت می شود. کشاورزان محلی در اواخر اسفندماه، به پاکسازی چال ها اقدام و در اواسط فروردین ماه بذرها را می کارند. آنان خاک نمدار کف گودال را در آورده و در گودال کناری ریخته و ۵ تا ۶ بذر را در لایه روین و مرطوب آن می کارند. آنان در طی فصل داشت، بوته های جوانه زده را تنک کرده و تعداد آنها را به دو بوته در هر گودال می رسانند. سپس در زیر دستک های هندوانه، بقایای سوفها را با هدف کمک به گیاه برای تثبیت در برابر بادهای شدید بیابانی قرار می دهند.^{۲۶} برداشت هندوانه در دو نوبت سال یکی تیرماه و دیگری مهرماه انجام می شود. برداشت محصول در تیرماه به سبب گرمای شدید هوا در نیمه های شب و سپیده دم انجام می شود. نکته قابل توجه در شیوه کشاورزی چال سنبک این است که زیستمدان ادوار مختلف به راحتی می توانستند با ایجاد سیستم قنات، منابع آب چال سنبک را به اراضی هموار دشت های غربی به منظور سهولت در امور کشاورزی منتقل کنند، اما آنان به ارزش منابع آب و خاک پی برده و با اعمال مدیریت مناسب منابع آب، تاکنون توانسته اند طی صدها سال با حفاظت از سفره آب های زیر زمینی، یکی از کهن ترین شیوه کشاورزی پایدار در زیست کره و ایران را زنده نگه دارند. در واقع چال سنبک الگوی کشاورزی پایدار مبتنی بر خرد و دانش بومی است که همراه با طبیعت و بدون دخالت نابخردانه در حوضه آب های تجدید پذیر، استمرار زندگی هماهنگ با طبیعت را رقم زده است.^{۲۷} همانطور که پیش تر عنوان شد در سال ۱۳۸۶ با مشارکت جامعه کشاورزان محلی چال سنبک و برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد طرح "کشاورزی سنتی در نواحی پست بیابانی (چال سنبک) برای جلوگیری از تخریب سرزمین در آران و بیدگل

۲۶ فیلم هندوانه سنبک، ۱۳۹۶

۲۷ دانش بومی «چال سنبک» در کشاورزی، ۱۳۹۴

کاشان“ در سه فاز اجرا شد. در این طرح با دعوت از هفتاد نفر دیمکار فعال، صندوق توسعه و احیاء دشت چال سنبلک تشکیل و ضمن برگزاری انتخابات محلی، پنج نفر از آنان عضو هیات مدیره شدند. آنها با برگزاری جلسات مشورتی متعدد اولویت های خود را احداث راه دسترسی عمومی بین چال ها، تبدیل راه مالرو به ماشین رو، احداث گومبیه یا چارطاقی، برقراری مجدد نظام دشتبانی، تغییر شیوه غنی سازی زمین و مبارزه با آفات با توجه به دانش بومی موجود در منطقه معین نمودند. اعضاء صندوق ضمن جلب همکاری نهادهای دولتی اقدام به تهیه نقشه ۱:۲۰۰۰ اجرایی و تهیه موقعیت جغرافیایی چال ها با سیستم اطلاعات جغرافیایی و احصاء چال های فعال و متروکه غیر فعال کردند. اجرای طرح احیاء دشت چال سنبلک همچنین سبب تقویت همدلی، مشارکت و تعاون در دیمکاران منطقه، احیاء نظام دشتبانی، احیاء ۴۲ رقبه از چال های متروکه و زیر کشت رفتن ۴ هکتار از چالها، احیاء شیوه غنی سازی خاک توسط کود آلی و مرغی به سبب ایجاد دسترسی عمومی و تسهیل حمل و نقل به کنار چالها، تقویت باور خاصیت درمانی هندوانه و خربزه چال سنبلک میان دیمکاران، ترغیب ۷۰ درصد دیمکاران به ایجاد جاده فرعی با هزینه شخصی جهت تسهیل دسترسی به مزارع خود و اقبال بیشتر رسانه های گروهی و دستگاههای دولتی به شیوه سنتی کشت در چال سنبلک گردید؛ همچنین، برخی از چالها توسط فرزندان دیمکاران علیرغم اشتغال به کار آنان در واحدهای صنعتی، به عنوان شغل دوم احیاء شد^{۲۸}.

شایان ذکر است که نخستین جشنواره هندوانه دیمی سنبلک همزمان با فصل برداشت این محصول در آران و بیدگل در تیر ۱۳۹۵ برگزار شد. همچنین دانش بومی کاشت هندوانه سنبلک نیز در سال ۱۳۹۶، در فهرست ملی میراث فرهنگی ناملموس به شماره ۱۴۲۳ به ثبت رسید.

حال، این روزها این شیوه اصیل کشاورزی با چالش های مختلفی مواجه است که نیاز به توجهی ویژه دارد؛ عدم امنیت اجتماعی و منسوخ شدن نظام های دشتبانی سبب تردد موتورسواران و خودروهای شاسی بلند و فعالیت بیراهه نوردی در پیرامون چال سنبلک ها شده و رونق گردشگری غیرمسئولانه سبب ورود بدون اجازه گردشگران به مناطق کشت و آسیب ناشی از حضور آنان می شود. همچنین

تخریب چارطاقی های قدیمی و فقدان سرپناه عمومی برای دیمکاران در باد و باران و گرما یکی از مشکلات این دیمکاران است. تعارض بین مالکیت و متصرفات دیمکاران و اداره منابع طبیعی نیز از دیگر چالش های امروزه چال سنبک است؛ کشاورزان معتقدند که دشتی که سیصد سال تحت دیمکاری است، مالکیت فردی داشته و اداره منابع طبیعی عنوان می کند که دشت چال سنبک بخشی از اراضی ملی است و مالکیت آن دولتی است.

چال سنبک را می توان یکی از شیوه مدیریت عرفی دشت از طریق حکمرانی سنتی دشتبانی دانست. در این شیوه، دشتبانی به شیوه یک تعاون مردم محلی انجام و در طی آن دشتبان از میان مردم و به انتخاب آنان برگزیده می شد. هدف دشتبانی نیز مقابله با بیابان زایی و تقویت معیشت پایدار مردم محلی از طریق کشاورزی بومی در چال سنبک بود. این نظام بهره برداری سنتی هم اکنون سالانه مورد بازدید گروه های مختلف دانشگاهیان و محققان کشاورزی پایدار قرار می گیرد. این بازدیدها فرصتی را برای تبادل تجارب میان کارشناسان و کشاورزان محلی فراهم آورده است. برای نمونه در یکی از این بازدیدهای میدانی، کشاورزان دریافتند که گیاهان خودرو، علف هرز نیستند و می توانند مامن و پناهگاهی برای حشرات باشند. همچنین آنها راغب شدند تا کودهای مرغی پوسیده را جایگزین کودهای شیمیایی کنند که در دهه های اخیر به این شیوه کشاورزی سنتی رسوخ کرده است.

صندوق و بانک محلی بذره‌های بومی

تنش‌های دمایی، پراکنش زمانی بارندگی‌ها و تغییر در میزان نزولات جوی، شیوع آفات و بیماری‌های ناشی از این تغییرات و نیز ریزگردها از جمله عواملی هستند که بهره‌برداران بخش کشاورزی را با چالش مواجه ساخته است. بذر به عنوان مهمترین نهاده کشاورزی، نقش مهمی در میزان تولید محصول و بالطبع معیشت پایدار کشاورزان محلی ایفا می‌کند. بذور رایج که محصول مطالعات پژوهشگران در ایستگاههای تحقیقاتی کشاورزی است، علی‌رغم موفقیت آمیز بودن میزان افزایش عملکرد در شرایط مزرعه‌ای محل پژوهش و در حضور سایر نهاده‌ها از جمله کودهای و سموم شیمیایی رایج، ممکن است در معرض تنش‌های اقلیمی نتوانند عملکرد مورد انتظار را تحقق بخشند. برای نمونه در محصول گندم در سال زراعی ۹۶-۹۵ در اراضی زراعی کرمانشاه میزان عملکرد ارقام رایج ۳۷۰ کیلوگرم در هکتار بوده در حالی که عملکرد رقم بومی گندم خراسان، ۱۷۲۰ کیلوگرم در هکتار گزارش شده است^{۲۹}. در حال حاضر، تنش‌های اقلیمی یکی از اساسی‌ترین چالش‌های تولید است و بذور بومی به سبب اینکه در طی هزاران سال در اثر انتخاب طبیعی در مواجهه با انواعی از تنش‌های محیطی تغییر یافته و سازگار شده‌اند می‌توانند به راحتی پاسخگوی تولید در تغییرات اقلیمی کنونی باشند. بذره‌های بومی، علاوه بر دارا بودن صفات اجدادی محل رویش خود، می‌توانند کارآمدترین منابع تولید غذا در شرایط تغییر اقلیم باشند. از آنجا که این بذرها در طی هزاران سال کاشت، داشت و برداشت شده‌اند نه تنها با وضعیت اقلیمی منطقه کاشت خود سازگار شده، بلکه به نوعی سازگار اقلیم‌اند؛ یعنی در شرایط اقلیمی سخت نیز قابلیت رشد دارند. از سوی دیگر، خطر از دست رفتن بذره‌های بومی با ورود انقلاب سبز و بکارگیری ارقام پرمحصول، محصولات تراریخته، کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها به تدریج دچار فرسایش ژنتیکی شده و به حاشیه رانده شده و یا عمدتاً حذف می‌شوند. همچنین شرکت‌های بزرگ چندملیتی انحصار تولید و عرضه بذور دنیا را در اختیار گرفته و هجوم این بذور هیبرید وارداتی به خصوص با توجه به تغییر اقلیم و تنش‌های شدید خارج از فصل مانند سرمازدگی، خشکسالی و غیره ضربه جبران‌ناپذیری را به استقلال و امنیت غذایی کشورها

وارد نموده و جغرافیای سیاسی تولید غذا را با چالشی نوین مواجه ساخته است. صندوق بذری بومی، کانونی برای توسعه، تکثیر و کشت ارقام بذری بومی در سطح مزرعه است. به عبارت دیگر، صندوق بذری، محلی است برای مدیریت کاشت، داشت و برداشت بذری های بومی و بحث و تبادل نظر میان کشاورزانی که در زمینه کشت و تکثیر بذری های بومی فعال هستند. این شبکه کشاورزان که هم اکنون تعداد آنها به بیش از ۱۷۰ نفر می رسد، تحت عنوان کشاورزان زیستی بوم سازگار از سال ۱۳۸۶ شبکه ای از مزارع در ۲۴ استان کشور را پوشش می دهند. در واقع کشاورزان علاقمند می توانند با توصیه کشاورزان پیشرو بذری های بومی و محلی، در مزرعه خویش به عملکردی معقول و بازار مطلوب دست یابند.

در سال ۱۳۸۶، اولین و تنها سرمایه صندوق بذری کشاورزان گرمساری، ۷۵ گرم بذری گندم خراسان بود که اکنون پس از سیزده سال، به بیش از ۶۰ تن بذری رسیده است. گندم خراسان از جمله بذری های باستانی ایران زمین است که متأسفانه از کشور خارج شده بود و در سراسر جهان کشت می شد اما در ایران بسیار کمیاب بود. خوشبختانه با همت موسسه توسعه پایدار و محیط زیست^{۳۰}، در سال ۱۳۸۶ مقدار کمی از این بذری مجدد وارد ایران شد و کشاورزان ایرانی توانستند این بذری را در مزارع خود احیاء و فرآورده های ارزشمندی از آن تهیه کنند. انگیزه کشاورزان برای شرکت در صندوق بذری، عملکرد خوب بذری های بومی در شرایط خشکسالی و مصرف کم آب و رشد بهتر در شرایط دیم است. برای مثال در مورد گندم خراسان، با توجه به اینکه دسترسی به کمباین برای کشاورزان خرد سخت است، بذری معمولی به سرعت ریزش می کنند در حالیکه در گندم خراسان، تا نود روز هیچ بذری از غلاف خارج نمی شود. همچنین به سبب وجود پوششی سخت روی دانه های این واریته، نیاز به استفاده از سموم شیمیایی آفت کش نیست. از اینرو، گندم خراسان با هزینه کمتر و باردهی بیشتر در شرایط خشکسالی، مورد استقبال شبکه کشاورزان قرار گرفته است.

برای پشتیبانی از این شبکه و پاسخگویی به نیاز کشاورزان ایرانی به بذری بومی و محلی (با استناد به حق دسترسی کشاورزان به ذخائر ژنتیکی که مورد تصویب مجلس شورای اسلامی نیز قرار گرفته است) و همچنین به منظور حفاظت از تنوع زیستی و

ذخائر ژنتیکی کشور، بانک بذر محلی برای اولین بار در ایران (دومین بانک بذر محلی در خاورمیانه) در گرمسار در سال ۱۳۸۶ ایجاد شد. این بانک محلی است برای نگهداری مقدار کمی بذرهای خالص شده و بومی که ممکن است به دلایل مختلف (از جمله اتفاقات غیر مترقبه و بلایای طبیعی)، کمیاب و از دسترس کشاورزان خارج شوند. تاکنون مقدار زیادی از بذرهای بومی از دست رفته اند در حالیکه این ارقام قادر بودند در شرایط تغییر اقلیم به خوبی رشد کنند.

طرح ایجاد بانک محلی بذور بومی با هدف تقویت حاکمیت بذر کشاورزان محلی و کمک به معیشت پایدار آنان و حفاظت از تنوع زیستی گونه های زراعی بومی در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ با حمایت برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد با همکاری تشکیل محلی توسعه پایدار دشت گرمسار و موسسه توسعه پایدار و محیط زیست تحت عنوان "مدیریت مشارکتی تلفیقی آفات و توانمندسازی جوامع محلی برای کشت بوم ها و کاهش آلاینده های کشاورزی" آغاز شد. هدف طرح مذکور، ترویج عملی کاهش آلاینده ها و سموم شیمیایی در فرایند تولید محصولات کشاورزی زراعی و گلخانه ای و در نهایت تولید محصول سالم از طریق مدل مدرسه در مزرعه^{۳۱} بود. دستاوردهای موثر این طرح سبب شد تا این تشکل محلی با همکاری موسسه توسعه پایدار و محیط زیست، موسسه تحقیقات کشاورزی دیم و نیز موسسه ایکاردا، طرح تحقیقات و بهنژادی مشارکتی گیاهان در ایران را به مرحله اجرا در آورند. در طی این طرح، بذور منتخب موجود در کرت های مزارع پایلوت کشت شدند و در طی فصل رشد، تفاوت وارسته ها توسط کارشناسان مستقل، کشاورزان محلی و ریش سفیدان مورد ارزیابی و ثبت قرار گرفت. هدف این طرح، یافتن ارقام مقاوم به تنش های محیطی از جمله خشکی بود. در این طرح بود که کشاورزان محلی در جلسات پایش و ارزیابی های طرح که با حضور دینفعان مختلف برگزار می شد، اهمیت بذر، ذخایر ژنتیکی محلی و نقش بانک ژن محلی را مورد بحث قرار داده و به اهمیت این موضوع پی بردند^{۳۲}.

هم اکنون با ایجاد صندوق حمایت از بذر خودمصرفی کشاورزان در بیش از بیست استان کشور، از بانک محلی بذر، بذر ارقام بومی (از جمله ارقام گندم هایی

31 Farmers Field School, FFS

32 Cenesa, (2013)

همچون خراسان، نردین، ملغانی، حانه، قرمزک، زردک و سفیدک و دهها رقم دیگر) در شرایط مختلف اقلیمی با همکاری نزدیک کشاورزان و کارشناسان کاشت، داشت و برداشت شده که در آینده می تواند شبکه ای از مزارع سبز را ایجاد نموده و جزو مناطق تحت حفاظت عرفی به شمار آیند. در اصل بانک محلی بذر و صندوق بذر بومی نشان دادند که می توان حاکمیت بذر را در اختیار کشاورزان قرار داده و با بهره گیری از دانش بومی، امنیت غذایی پایدارتری را برای کشور ایجاد کرد.

همچنین سیاق شکل گیری و توسعه این صندوق های معیشت محلی که پایداری معیشت یکی از ارکان آن است، می تواند الگویی برای سایر صندوق های معیشت روستایی و محلی در دیگر نقاط کشور و دنیا باشد.^{۳۳}



نظام‌های عرفی حفاظت و بهره‌برداری پایدار
از مناطق دریایی - ساحلی

احیاء ذخایر دریایی منطقه سلخ

قسم، بزرگترین جزیره ایران در خلیج فارس است که بخشی از آن از سوی سازمان آموزشی علمی فرهنگی ملل متحد^{۳۴} به عنوان ژئوپارک جهانی معرفی شده است. معیشت عمده ساکنان این جزیره صیادی است که حدود ۲۰ درصد آن در نزدیکی روستای سلخ انجام می شود. سلخ در جنوب جزیره قسم واقع شده است. در خلیج فارس عواملی همچون گرمایش جهانی، صید بی رویه، گردشگری غیرمسئولانه و آلودگیهای زیست محیطی سبب شده تا صخره های مرجانی که محلی مهم برای زادآوری آبزیان به شمار می روند مورد آسیب و نابودی قرار گیرند. در اوایل دهه ۸۰ شمسی، در طی طرح مستندسازی داستان صید و صیادی و مرجان های خلیج فارس که با حمایت برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد انجام می شد، مشخص گردید که مردم سلخ دارای دانش بومی ارزشمندی در رابطه با احیاء ذخایر آبزیان و از جمله مرجان ها هستند. در این روستا از زمان های گذشته، اجسامی را به دریا می ریختند تا صخره های مصنوعی مرجانی ایجاد شود و صید و صیادی رونق یابد. لذا در اوایل دهه ۸۰ شمسی طرحی با عنوان "طرح پایلوت برای احیاء ذخایر دریایی منطقه سلخ" با پشتیبانی برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد شکل گرفت تا با بهره گیری از دانش، مهارت و مصالح بومی، هر ماهی با مشورت کارشناسانی از دانشگاه تهران طراحی و در بستر دریا رها شده تا فرصت شکل گیری مرجانهای دریایی بر روی آنها ایجاد گردد.

بدین ترتیب، در راستای جلوگیری از نابودی منابع زیستی دریایی که ارتباط تنگاتنگی با معیشت مردمان محلی روستای سلخ داشت، شورای اسلامی روستای سلخ با حمایت برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد و همکاری صیادان محلی تصمیم گرفتند تا به احیاء مجدد منابع زیستی دریایی بپردازند. آنان از طریق طراحی و اجرای هرم های مصنوعی مرجانی که برگرفته از دانش بومی و توانمندیهای مردمان محلی روستا بود همراه با آگاهی-رسانی و جلب توجه صیادان و مشارکت آنان در مراحل مختلف طرح از جمله طراحی، ساخت و نصب هرم ها و نیز پایش و ارزیابی طرح، موفق به احیاء

مرجان ها، ازدیاد و تکثیر گونه های ماهیان و بهره برداری پایدار از منابع دریایی شدند.^{۳۵} همچنین مشارکت پررنگ جوامع محلی در حفاظت و احیاء منابع طبیعی سبب شد تا روستای سلخ به مجموعه ژئوپارک جهانی قشم اضافه شود. هم اکنون تشکل های محلی در روستای سلخ شکل گرفته و به صورت خودجوش مشغول به کار هستند و علاوه بر حفاظت از منابع طبیعی، حفظ میراث فرهنگی، آیین و سنن را در قالب بومگردی پیگیر هستند. این طرح به خوبی نشان داد حفاظت از ذخایر مرجانی، بخش لاینفک پایداری معیشت و اقتصاد بهره برداران و صیادان محلی است. همچنین این طرح موفق شد تا با احیاء صخره های مرجانی، سبب افزایش تنوع و تعدد گونه های ماهی شده و به اقتصاد محلی کمک کند. در حقیقت با اجرای طرح مذکور، حفاظت از محیط زیست دریایی، با ارتقاء معیشت ساکنان محلی همراه شد. چندین سال پس از اتمام طرح، مطالعات صورت گرفته مبین آن است که کیفیت آب در منطقه یاد شده بهبود یافته و تعدد آبزیان بیشتر شده است. موفقیت طرح مذکور تا آنجا بود که از طرفی سازمان شیلات ایران خواستار تکرار این تجربه در دیگر نقاط ساحلی- دریایی شد و از سوی دیگر این طرح موفق به دریافت جایزه خلاقیت برنامه عمران ملل متحد در سال ۲۰۰۶ میلادی گردید.^{۳۶}

در حال حاضر برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد، طرحی را در روستای سلخ به تصویب رسانده تا مردم سلخ، دانش و تجربیات خود را در اختیار سایر روستاهای جزیره قشم و سواحل هرمزگان قرار دهند.

همچنین این طرح می تواند در سایر مناطق سواحل جنوب کشور برای تقویت ذخایر دریایی اجرایی شود.

مشارکت مردم محلی در حفاظت از لاک پشت پوزه عقابی

لاک پشت پوزه عقابی گونه ای شدیدا در معرض خطر انقراض است که برای تخمگذاری، سواحل خلیج فارس از جمله سواحل جنوبی جزیره قشم را برمی گزیند. روستای شیب دراز که در جنوب مرکزی این جزیره قرار گرفته در کنار یک ساحل شنی به طول ۲۰ کیلومتر واقع شده که زیستگاه مهمی برای تخمگذاری لاک پشت پوزه عقابی محسوب می شود. تا قبل از سال ۱۳۸۱ شمسی بجز روباه ها که در شکار تخم لاک پشت مهارت دارند و مردم محلی جزیره قشم، کسی از تخمگذاری لاک پشت های جزیره قشم مطلع نبود. مردم محلی با فرارسیدن فصل تخمگذاری لاک پشت های دریایی به ساحل می رفتند و تخم آنان را برای خواص دارویی آن جمع آوری می کردند. در سال ۱۳۸۱ بیژن فرهنگ دره شوری، مدیر وقت دفتر محیط زیست منطقه آزاد قشم، به صورت اتفاقی متوجه گفتگوی چند راننده محلی می شود که از تخمگذاری لاک پشتها صحبت می کردند. وی با مراجعه به منطقه مورد نظر، گونه مذکور را شناسایی و درصدد جلب مشارکت مردم و شورای روستا در جهت حفاظت از این گونه برآمد. در آن سال دره شوری و همکارانش با همیاری و مشارکت شورای اسلامی روستای شیب دراز موفق شدند تا زیستگاه تخمگذاری لاک پشت پوزه عقابی را مطالعه و تحت حفاظت قرار دهند و دریافتند که در اسفند و فروردین ماه، ماده لاک پشت ها برای تخمگذاری به ساحل شنی روستای شیب دراز آمده و بچه لاک پشت ها در اردیبهشت ماه از تخم خارج می شوند.

در طی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ شمسی، طرح حفاظت از لاک پشت پوزه عقابی با حمایت برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد، شورای اسلامی روستای شیب دراز و همکاری دفتر محیط زیست منطقه آزاد قشم برای پایش و حفاظت از زیستگاه تخمگذاری اجرا شد. در این طرح روند پایش مکان های تخمگذاری با شکل گیری یک تشکل محلی از جوانان علاقمند به نام تشکل ناتوران خمیس ادامه یافت؛ به صورتی که سالانه بالغ بر ۴۰۰۰ بچه لاک پشت روانه آب های نیلگون خلیج فارس گردید. با رسانه ای شدن خبر تخمگذاری لاک پشتها در سواحل جزیره قشم، به زودی توجه گردشگران به

این موضوع جلب شد و مسافرانی که قشم را برای سفر انتخاب می کردند، در میانه راه سری هم به شیب دراز زده تا در فصل تخمگذاری، شاهد این رخداد طبیعی شگفت انگیز باشند. از اینرو روز به روز بر تعداد گردشگران افزوده می شد به صورتی که ضعف زیرساخت های گردشگری موجود در این مکان و حضور بیش از ظرفیت گردشگران، سایت تخمگذاری لاکپشت ها را با تهدیدی جدی مواجه کرده بود. این امر موجب شد تا با توجه به ظرفیتی که قبلاً برای آموزش سازمان های محلی و توانمندسازی و تاسیس اعتبارات خرد با حمایت برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی و صندوق توسعه پایدار و خانواده (توسعه یاران مهر) در روستاهای برکه خلف و شیب دراز انجام شده بود، طرح جدیدی به منظور ساماندهی اکوتوریسم با حمایت برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی و همکاری موسسه آوای طبیعت پایدار، به منظور حفاظت از طبیعت، آموزش جوامع محلی و ظرفیت سازی برای کاهش آثار مخرب گردشگری غیرمسئولانه، انجام شود. در این طرح جوانان محلی به عنوان راهنمای گردشگری آموزش دیدند و زنان محلی به تولید صنایع دستی کاربردی با بهره گیری از هنر سنتی سوزن دوزی پرداختند. بدین ترتیب، دانش و مهارت بومی در جهت حفظ یک گونه مهم دریایی بکار گرفته شد^{۳۷}. این طرح یکی از نمونه های موفق حفاظت مشارکتی بود و به همین سبب نیز روستای شیب دراز به ژئوپارک جهانی قشم اضافه شد. هم اکنون ۲۰ کیلومتر زیستگاه تخمگذاری لاک پشت پوزه عقابی توسط سازمان منطقه آزاد قشم و طرح هادی روستا به رسمیت شناخته شده و سالانه هزاران بچه لاک پشت به دریا باز می گردند.

به همین دلیل هم روستای شیب دراز میزبان رویدادهای مهم از جمله در سال ۲۰۱۷ میزبان رویداد "جشن اقیانوس ها" بود.

لازم به ذکر است که این طرح الگویی شد تا در سایر جزایر خلیج فارس از جمله لارک و هرمز، حفاظت مشارکتی از زیستگاه تخمگذاری لاک پشت ها آغاز شود.



نظام‌های عرفی حفاظت و بهره‌برداری پایدار
از مناطق مرتعی

احیاء قرق‌های بومی و مدیریت عرفی منابع طبیعی در دشت لاله‌های واژگون

ایل بختیاری به عنوان یکی از اقوام بزرگ ایران در بخش‌های مختلف زاگرس میانی زندگی می‌کنند. سنت‌ها و شیوه‌های خاص زندگی بختیاری‌ها، یکی از اصیل‌ترین الگوی زیست عشایری را داراست. نحوه معیشت، الگوی زیست، باورها، سنت‌ها، آداب و رسوم و صنایع دستی ایل بختیاری نیز در نوع خود از نمونه‌های بارز الگوی زیست کوچندگی در ایران است. دشت لاله‌های واژگون در جنوب غرب ایران و در استان چهارمحال و بختیاری، شهرستان کوهرنگ، بخش شوراب، دهستان تنگ‌گری واقع شده است. این محدوده مرتعی، علاوه بر اینکه به عنوان بخشی از قلمرو ییلاقی طایفه حموله، تعلیف دام‌های عشایر مذکور در حدود ۵ ماه از سال را بر عهده دارد، با داشتن تنوع گسترده‌ای از گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری از اهمیت خاصی برخوردار است. مردم محلی بسیاری از گیاهان این منطقه را می‌شناسند و به خواص آن آگاهی کامل دارند. علاوه بر گل لاله واژگون یا به قول مردم محلی گل مریم، گیاهانی مانند کرفس کوهی (کلوس)، موسیر، تره کوهی، سیر، نوعی قارچ، ابریشم (بوته ابریشم)، اولیله (لهله)، کنگر، برنج سرخه، بن سرخ (سور)، شنگ شیر، گزنگبین، کاسه کیسه، گلپر، ریواس، چورک، کلاس بوگنده، پونه، بکیلو، کنجد کوهی و چاهی کوهی و... تنوع گیاهی این منطقه را شامل می‌شوند که به صورت سنتی به عنوان ماده غذایی یا دارو برای درمان بیماری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما لاله‌های واژگون دلیل اصلی است که هر ساله گردشگران زیادی برای مشاهده این گل‌های زیبا و منحصر بفرد، از این دشت بازدید می‌کنند. به گفته ریش سفیدان محلی، تراکم لاله‌های واژگون در گذشته بیشتر بوده و به مرور از تراکم این گونه گیاهی کاسته شده است. یکی از دلایل این کاهش، هجوم بهره برداران غیرمحلی و حضور انبوه گردشگران است که سبب در معرض انقراض قرار گرفتن این گونه گیاهی شده است.

در سال ۱۳۹۰ جهت حفظ لاله واژگون طرح "احیاء قرق‌های بومی و مدیریت عرفی منابع طبیعی در دشت لاله‌های واژگون"، با مشارکت موسسه توسعه پایدار

و محیط زیست، شورای معیشت پایدار عشایر کوچرو ایل بختیاری، شورای معیشت پایدار عشایر کوچرو طایفه حموله از ایل بختیاری و حمایت برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد آغاز شد تا ابتدا وضعیت موجود منطقه و سپس طرح مدیریت همگردانی (مشارکتی) منابع طبیعی دشت لاله‌های واژگون تهیه شود. پیرو تعیین وضعیت موجود با برگزاری نشست‌های مشورتی و مشارکتی با جوامع محلی و شورای معیشت پایدار عشایر کوچرو ایل بختیاری و اعلام آمادگی شورای معیشت پایدار عشایر کوچرو طایفه حموله، مقرر شد که دشت لاله‌های واژگون با حمایت مؤثر گروه‌های ذیحق و ذینفع به عنوان یک منطقه حفاظت شده عرفی معرفی گردد. این منطقه، نه تنها برای گردشگری، بلکه از نظر ارزش اقتصادی گیاهان وحشی نظیر کرفس کوهی، لاله واژگون و سایر گونه‌های گیاهی حائز اهمیت بود. لذا این طرح در قلمرو عرفی عشایر کوچنده ایل بختیاری با هدف احیاء زیستگاه گونه‌های گیاهی وحشی ارزشمند نظیر کرفس کوهی، تره، سیر وحشی و لاله واژگون با بهره‌گیری از قوانین عرفی عشایر بومی منطقه و دانش بومی تعریف شد. با این وجود به دلیل اختلافات داخلی بین مالکین عرفی، این طرح در دشت لاله‌های واژگون اجرا نشد و طایفه فرخ‌وند در قرق بومی و قلمرو میان‌بند با منابع باقیمانده از طرح اقدام به احیاء قرق بومی در منطقه لبدبالا بازفت نمود و امروزه علاوه بر ۱۵۰ هکتار اولیه، این قرق گسترش یافته است.

در این طرح قلمرو میان‌بند طایفه فرخ‌وند ایل بختیاری، با هدف احیاء قرق بومی طایفه، حفاظت و احیاء شد. در طی بهار و تابستان ۱۳۹۰ نشست‌های مشورتی با ریش سفیدان عشایر کوچرو این طایفه برگزار و موافقت کتبی نمایندگان شورای ایل و ریش سفیدان طایفه فرخ‌وند در تعیین محدوده قلمرو قرق بومی اعلام گردید. سپس با مشارکت نمایندگان عشایر طایفه فرخ‌وند، نقشه مشارکتی جهت احیاء قرق بومی و مدیریت عرفی منابع طبیعی در منطقه لبدبالا با سرمایه‌گذاری خود طایفه فرخ‌وند انجام شد. با تکیه بر دانش بومی و سازوکارهای محلی، استخدام قرق‌بان، کاهش تعداد دام و نیز قرق و احیا مناطق تخریب‌شده (بذرپاشی و غیره) انجام گرفت. همچنین در طی جلسات با مسئولان منابع طبیعی استان

چهارمحال و بختیاری تبادل نظر میان شورای ایل بختیاری و اداره منابع طبیعی کوهرنگ، تبادل دانش سنتی و نوین انجام شد. همراهی منابع طبیعی کوهرنگ از قرق بانان بومی طایفه فرخ وند از دستاوردهای این نشست ها بود^{۳۸}. همچنین این نشست ها و جلسات به نوعی در به رسمیت شناختن قرق های بومی از سوی سازمان های ذی ربط (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری) کمک کرد. امید است با اجرای موفق قرق بومی در این منطقه و تبادل این تجربیات با سایر گروه های عشایری، بتوان بخشی از تنوع زیستی مراتع زاگرس را با این روش، به نحو موثرتری حفظ و احیاء نمود.

مشارکت مردم محلی در احیاء گونه کرفس کوهی

موقعیت جغرافیایی و وجود شرایط آب و هوایی متغیر، باعث ایجاد اقلیم های خرد و شرایط محیطی متنوع در ایران شده که نتیجه آن، تنوع زیستی بسیار غنی در کشور است. بر اساس گزارش های موجود بیش از ۸۲۰۰ گونه گیاهی در کشور وجود دارد که ۲۰ درصد آنها بومی و خاص ایران بوده و در هیچ نقطه دیگری از جهان یافت نمی شوند. متأسفانه در دهه اخیر به علت بهره برداری بی رویه از پوشش گیاهی مراتع، شخم اراضی در جهت کشت محصولات دیم و بهره برداری نامناسب و بیش از حد از گیاهان صنعتی، دارویی و خوراکی، تعدادی از گونه های مرتعی با ارزش در معرض انقراض قرار گرفته اند. منطقه زاگرس نیز از جمله نواحی کشور است که به دلیل شرایط اقلیمی متنوع، دارای تنوع زیستی بسیار غنی و محل رویش گیاهان زیادی است که بخش قابل توجهی از گونه های بومی ایران را در بر می گیرد^{۳۹}.

با این وجود، برداشت بی رویه از گیاهان دارویی بعضاً منجر به کاهش تنوع زیستی و تخریب پوشش گیاهی مناطق کوهستانی می شود. این اتفاقات ناخوشایند، در فریدونشهر و توابع آن موجب کاهش گونه ارزشمند کرفس کوهی شده بود تا اینکه جمعیت حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست (پیام سبز) با حمایت برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد از زمستان ۱۳۸۱ به مدت سه سال، طرحی را تحت عنوان "مشارکت مردمی در حفاظت از تنوع زیستی منطقه زاگرس مرکزی" به کمک کشاورزان بومی منطقه، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان و اداره کل منابع طبیعی استان اصفهان آغاز کرد تا برای حفاظت از چند گونه گیاهی آسیب پذیر و در خطر انقراض تلاش کند. یکی از این گونه های در معرض انقراض کرفس کوهی بود. رویشگاه های طبیعی کرفس کوهی، بیشتر ارتفاعات و مناطق برفگیر زاگرس مرکزی است. یکی از اهداف طرح حفظ و احیاء زیستگاه کرفس کوهی یا "کلوس" (نام محلی) بود. ایجاد روش های جایگزین برای کسب درآمد یا کشت و کار و برداشت محصول از گونه های مورد نظر در طرح، به جای بهره برداری از رویشگاه های طبیعی آنها از اهداف اصلی طرح بود. بدین منظور با ادغام دانش بومی و علمی

مقرر شد کشاورزان کرفس کوهی را در حیاط خانه خود کاشته و سپس در زیستگاه طبیعی اش پرورش دهند. در عین حال، اداره منابع طبیعی را نیز قانع کردند تا ضمن خرید بذرهای بومی از مرتع داران، این بذرهارا نیز خریداری کند. این امر سبب شد تا جوامع محلی تشویق شده و به جای برداشت گیاه، اجازه دهند تا گیاه به صورت طبیعی به مرحله بذردهی برسد. در واقع این طرح با هدف ایجاد معیشت جایگزین برای جامعه محلی از طریق فروش بذر و سایر محصولات کشت شده و حفاظت از گونه های بومی در معرض خطر انقراض نظیر کرفس کوهی، گون و ریواس انجام شد.

در طی این طرح، جوامع محلی تشویق شدند تا با جمع آوری بذر به احیاء و بهره برداری پایدار این گونه های گیاهی ارزشمند بپردازند. این طرح توانست روند تخریب و انقراض گونه های مورد نظر را از طریق کاهش برداشت از رویشگاههای طبیعی کاهش دهد.

همچنین ایجاد انگیزه در پژوهشگران برای بررسی تنوع زیستی و فرآوری گونه ها و نیز انتشار کتابچه "کرفس کوهی" و کتاب "توزاد برف"^{۴۰}، از سری کتابهای علمی کاربردی به زبان ساده، توسط نهضت سوادآموزی از دیگر دستاوردهای طرح بود^{۴۱}.

۴۰ گوگوانی، ح. و همکاران، ۱۳۸۶

۴۱ خبرنامه طرح مشارکت مردمی در حفاظت از تنوع زیستی منطقه زاگرس مرکزی

گردشگری جامعه بنیاد در قلمرو عشایر تیره هیبتلو ایل قشقای

عشایر کوچنده از دیر باز تاکنون با سنن و فرهنگ خود به زندگی کوچ نشینی در مراتع ییلاقی، قشلاقی و میانبد در محدوده قلمرو خود مشغول بوده اند. از سوی دیگر، سبک زندگی مبتنی بر کوچ عشایر و تنوع زیستی واقع در این قلمروها، به تازگی مورد توجه گردشگران و علاقمندان به حفظ طبیعت قرار گرفته است. با وجود اینکه گردشگری عشایری از ظرفیت بالایی برای توسعه گردشگری برخوردار است، اینکه چگونه این ظرفیت تبدیل به یک تهدید نشود و هنجارهای فرهنگی و طبیعی رعایت شوند، نیاز به تدبیر و برنامه ریزی داشته و دارد.

بدین منظور، صندوق معیشت پایدار تیره هیبتلو طایفه شش بلوکی ایل قشقای، در ابتدا با مشارکت موسسه توسعه پایدار و محیط زیست و سپس به صورت کاملاً مستقل با حمایت برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد، طرح "برنامه ریزی و اجرای مشارکتی اکوتوریسم جامعه بنیاد با تاکید بر گسترش قرقهای بومی در قلمرو عرفی عشایر کوچنده تیره هیبتلو از طایفه شش بلوکی، ایل قشقای" را از سال ۱۳۹۰ به مرحله اجرا گذاشت. هدف این طرح ایجاد الگوی گردشگری جامعه بنیاد با تمرکز بر تمامیت قلمرو کوچ تیره هیبتلو شامل ییلاق، میانبندها و قشلاق در محدوده زاگرس بود.

گردشگری جامعه بنیاد، الگویی است که در آن فعالیت های گردشگری توسط مردم محلی در منطقه هدف ارائه و مدیریت می گردد و منافع آن بطور مستقیم و یا از طریق صندوق های معیشت پایدار (که به منظور توانمندسازی و تامین معیشت پایدار ایجاد شده اند)، به جوامع بومی و محلی ذیحق باز می گردد^{۴۲}. این الگو ضمن ارتقاء وضع معیشتی جامعه محلی، ترویج فرهنگ حفظ منابع طبیعی را به دنبال دارد^{۴۳}. لذا هدف اصلی طرح مذکور، ارائه الگوی مناسب گردشگری برای آشنایی، حفاظت و استفاده پایدار از طبیعت، فرهنگ و آداب و رسوم زندگی عشایری بود.

در این طرح ابتدا مطالعات امکان سنجی با تاکید بر اینکه مشارکت مردم محلی به صورت خودجوش وجود داشته باشد، انجام گرفت. سپس دوره های آموزشی مرتبط برگزار شد و در نهایت چند تور آزمایشی ابتدا برای راهنمایان گردشگری

۴۲ فاضل بخشش، ف.، امیری، ش. ۱۳۹۵

۴۳ خبرنامه طرح برنامه ریزی و اجرای مشارکتی اکوتوریسم جامعه بنیاد در قلمرو عرفی عشایر کوچنده تیره هیبت لو، ۱۳۹۲

و سپس برای علاقمندان به تورهای عشایری برگزار گردید. در نهایت با مشورت جامعه محلی، باید‌ها و نبایدهای گردشگری جامعه بنیاد به صورت کتابچه ای تدوین شد. در این طرح که تمرکز آن بر عشایر کوچنده تیره هیبتلو بود، بانوان در بخش صنایع دستی، خوراک های محلی، نان پزی، معرفی گیاهان دارویی، تولید محصولات دامی، پشم چینی و سایر مراحل طرح از جمله راهنمایی گردشگران نقش عمده ای را ایفا نمودند.

بر اساس مستندات سازمان جهانی گردشگری^{۴۴}، تدوین معیارهای پایش محلی برای تقویت ارتباط میان گردشگری جامعه بنیاد و حفاظت از مرتع و ایجاد اشتغال و مهاجرت معکوس از جمله دستاوردهای این طرح بود^{۴۵}. طرح گردشگری جامعه بنیاد تیره هیبتلو، یک نمونه واقعی از ارائه سبک زندگی عشایری و تجربیات آنها در حفاظت از طبیعت و تنوع زیستی است که در طی آن گردشگران با ارزش های اجتماعی و فرهنگی عشایر آشنا می شوند. این الگو، معیشت جامعه عشایری را بهبود بخشیده و فرهنگ حفاظت از منابع طبیعی را در عین بازشناسی تیره هیبتلو ترویج می دهد. چنین طرحی، می تواند نمونه ای از یک توسعه درونزا باشد. اشتغالزایی، ایجاد درآمد و توانمند شدن تعدادی از افراد جامعه در اجرای صحیح الگوی "اکوتوریسم جامعه بنیاد" در کنار قرق بومی و حفاظت از طبیعت، بالطبع میل به ماندگاری در منطقه را افزایش، مهاجرت را کاهش و نیز تعلق خاطر جوامع محلی را به حفاظت، مدیریت و استفاده پایدار از منابع طبیعی در قلمروهای عشایری افزایش می دهد.

انتخاب این طرح به عنوان طرح برتر گردشگری در سطح استان و اولین و برترین طرح گردشگری عشایری در ایران توسط سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در نهایت باعث معرفی این طرح به سازمان جهانی گردشگری شد. علاوه بر این، مجریان طرح تجربیات خود را با شرکت در نشست های ملی و محلی، رسانه ملی و استانی، همایش ها و نمایشگاه ها به اشتراک گذاشته و درس آموخته های خود را در قالب کتابچه ای تحت عنوان "گردشگری جامعه بنیاد" به چاپ رساندند. همچنین مجریان طرح به عنوان نمایندگان ایران دو بار در اجلاس جهانی Terra Madre جهت معرفی و ترویج غذای سالم محلی در گردشگری

44 UNWTO

45 The story of Community Based Ecotourism and ICCAs in Heybatlu sub-tribe

عشایری دعوت و حضور یافتند. دستاوردهای این طرح موجب شد تا طرح مذکور در کتاب "چالش ها و توسعه گردشگری در ایران" که توسط دانشگاه سوربن چاپ شده، به عنوان نمونه موفقی از مدل گردشگری کوچک مقیاس، درون زا و تاثیرگذار که توانسته به توانمندسازی جوامع محلی کمک کند، معرفی شود.^{۴۶}

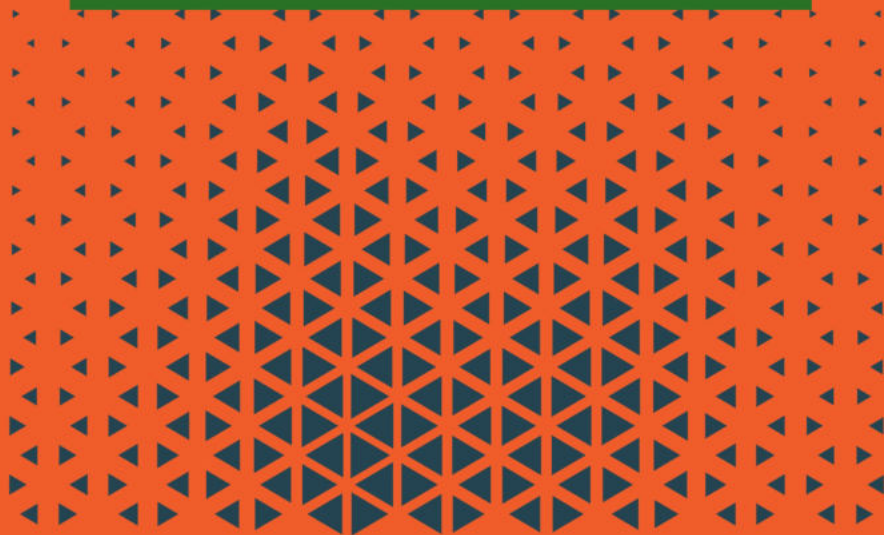
از آنجا که این نوع از گردشگری، ضمن کوچک مقیاس بودن و عدم نیاز به ساخت و سازهای گسترده و سرمایه گذاری های بالا، توسط تشکل های محلی مدیریت و اجرا می شود لذا جامعه محلی با تکیه بر نیروی انسانی خود، قادر است این الگو را در درون جامعه اجرایی کند.^{۴۷}

از این رو، با توجه به عضویت صندوق معیشت پایدار تیره هیتلو طایفه شش بلوکی ایل قشقایی در کارگروه عشایری و اتحادیه عشایری، تجربیات این طرح می تواند به عنوان یک نمونه موفق "اکوتوریسم جامعه بنیاد" در سایر مناطق عشایری، طبق اعلام نیاز آنها و پس از انجام مطالعات امکان سنجی، به اشتراک گذاشته شود.

برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد تاکنون از چندین صندوق معیشت پایدار محلی حمایت کرده است تا با تکیه بر دانش بومی به حفاظت از محیط زیست پیرامون خود پردازند. لذا درس آموخته های طرح گردشگری جامعه بنیاد می تواند جهت تقویت حفاظت و معیشت پایدار و همچنین ایجاد درآمد برای صندوق های معیشت پایدار، در سایر طرح های عشایری که علاقمند به اجرای طرح های گردشگری هستند، مورد بررسی قرار گیرد.



نظام‌های عرفی حفاظت و بهره‌برداری پایدار
از مناطق تالابی



حفاظت مشارکتی از تنوع زیستی تالاب کانی‌برازان

کانی‌برازان نام تالابی در استان آذربایجان غربی و یکی از تالابهای بین‌المللی کشور است که در سایت رامسر به ثبت رسیده است. در گویش محلی، کانی به معنای چشمه و براز به معنای گراز است؛ لذا این تالاب نام خود را از چشمه‌ای که پیش‌تر آبشخور دام روستاییان و گله‌گرازاها بوده گرفته است. این تالاب در شمال محور مهاباد-میاندوآب واقع شده و آب خود را از چشمه‌ها، بارندگی و روان‌آب‌های سطحی سالانه تامین می‌کند. این تالاب به عنوان یکی از مهمترین تالابهای اقماری جنوب دریایچه ارومیه و زیستگاه مهمی برای بیش از ۱۸۰ گونه پرندگان بومی و مهاجر آبی و کنار آبی از جمله غاز خاکستری، اردک سرسفید، اردک مرمری، تنجه و عروس غاز به شمار می‌رود. لذا این تالاب در سال ۱۳۸۳ شمسی به عنوان منطقه شکار ممنوع و در اواخر سال ۱۳۸۹ به عنوان پناهگاه حیات وحش معرفی شد.

در واقع با کاهش سطح تالاب ارومیه از اواخر دهه ۷۰، نقش تالاب‌های اقماری در حفظ حیات وحش منطقه پررنگ‌تر شد. با این وجود، دامداران، کشاورزان و شکارچیان دو روستای خورخوره و قره‌داغ واقع در حاشیه تالاب کانی‌برازان در خصوص حفظ منابع تالابی با هم همکاری مناسبی نداشتند. با اعلام تالاب کانی‌برازان به عنوان نخستین سایت پرندنگری ایران در سال ۱۳۸۶، بیم آن می‌رفت که رقابت‌ها بر سر موضوع گردشگری عملاً منابع تالاب را از بین ببرد؛ لذا با حمایت برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی، گروه پرندنگری طرلان و چندین تشکل دیگر، درصدد برگزاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگسازی در زمینه اکوتوریسم و پرندنگری برآمدند. به سبب تلاشهای چندین ساله کانون پژوهش و حفاظت از طبیعت پایدار (محیط-بان)، تعاونی محلی حفظ محیط زیست مهاباد، جامعه محلی روستای خورخوره، تشکل محلی کانون سبز گردشگری، انجمن حمایت از حیات وحش کانی‌برازان، گروه پرندنگری و پرندنگری طرلان و حمایت برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد، ساکنان محلی حاشیه تالاب از نظر اقتصادی معیشت خود را به جای استفاده صرف از منابع تالابی، به بوم‌گردی

معطوف داشتند. ابتدا مردم محلی دید روشنی از این ظرفیت بومگردی تالابی نداشته اما بعد از برگزاری نخستین دوره های یادگیری در مساجد و شوراهای پس از استقبال تورهای گردشگری، مردم شاهد اثربخشی این برنامه ها بر زندگی خود شده و مشارکت بیشتری جستند. با تاسیس دو انجمن محلی کانون سبز گردشگری و انجمن حمایت از حیات وحش کانی برازان در سال ۱۳۹۲، آموزش صنایع دستی، آموزش در مدارس و فرهنگسازی در منطقه گسترش یافت به صورتی که مردم حاضر شدند از چشمه های روستا حقایق را به تالاب اختصاص دهند. همچنین این تشکل ها سالانه شکارچیان را در اماکنی مانند مسجد گردهم آورده و در خصوص گونه های در حال انقراض مانند اردک سرسفید، اردک مرمی، تنجه و عروس غاز با آنان صحبت می کنند.

از دستاوردها این طرح آن است که مردم محلی با تعیین حقایق تالاب، توقف شکار و تغذیه داوطلبانه پرندگان در ماه های سرد سال و همچنین جلوگیری از ورود پساب کشاورزی و سرریز شوینده ها به تالاب و نیز اجرای طرح های پاکسازی و تفکیک زباله از مبداء سبب شده اند تا تالاب حفظ شده و فعالیت های بومگردی و پرندنگری، جایگزین پایدار درآمدهای ناپایدار و مخرب تالاب شوند. همچنین از دیگر دستاوردهای طرح آن است که از بیش از ۳۰ شکارچی مجوزدار این منطقه حداقل ۷۰ تا ۸۰ درصد، دیگر رغبتی به شکار خصوصا در محدوده تالاب نداشته و مردم محلی با حفظ و احیاء تالاب کانی برازان و مدیریت گردشگری، نه تنها به حفظ حیات وحش کمک کرده بلکه سبب ارتقاء وضعیت معیشتی خود شده اند.^{۴۸}

احیاء مشارکتی تالاب سیرانگلی (درگه سنگی)

تالاب سیرانگلی یا تالاب درگه سنگی، یکی از تالابهای اقماری جنوب دریاچه ارومیه و یکی از تالابهای با ارزش بین المللی ثبت شده در کنوانسیون رامسر است که در سال ۱۳۷۵ شمسی به طور کامل خشک شد. با کم شدن آب تالاب که بیش از سه دهه به طول انجامید، سطح آبهای زیر زمینی به پایین ترین سطح خود رسید و تنوع زیستی گیاهی و جانوری منطقه رو به زوال نهاد و کشاورزی محلی با مشکلات جدی مواجه شد.

تعاونی حفظ محیط زیست سولدوز نقده، متشکل از معلمان بازنشسته و شکارچیان قدیمی، از سال ۱۳۷۹ با هدف حفظ محیط زیست و حمایت از گونه های مختلف گیاهی و جانوری منطقه تاسیس شد. این تعاونی با شناخت عمیقی که از منطقه داشت، بر این باور بود که یکی از مهمترین عملکرد تالاب های اقماری، تغذیه سفره آبهای زیر زمینی است و علاوه بر این، تالاب ها همچون سدی حائل، از نفوذ شوری آب دریاچه ارومیه به مناطق پیرامونی حاشیه دریاچه جلوگیری می کنند. در سال ۱۳۸۰ کارگاهی آموزشی به منظور بررسی علل خشک شدن تالاب های منطقه و شناسایی رهیافت های ممکن، در اداره کل حفاظت محیط زیست استان آذربایجان غربی تشکیل شد. در این کارگاه کارشناسان ملی و بین المللی، احیای تالاب سیرانگلی را ناممکن دانستند؛ اما تعاونی سولدوز به عنوان یکی از شرکت کنندگان در کارگاه، بر آن شد تا آستین همت را بالا زده و درصدد احیاء این تالاب برآید.

از پاییز ۱۳۸۰ اعضای این گروه پس از برگزاری نشست های متعدد در سطوح محلی و کارشناسی و با تکیه بر تجربیات و دانش بومی خود به دنبال یافتن دلایل احتمالی خشک شدن تالاب و راهکارهای احیاء آن برآمدند.

پس از چهارماه مطالعه و بررسی، مشخص شد از سه شاخه نهر منتهی به تالاب، شاخه روستای درگه سنگی، نزدیکترین شاخه ای است که می تواند حجم زیادی از آب را به تالاب برساند. دیواره نهر تخریب و به علت عدم لایروبی، نهر مملو از گل و لای بود.

لذا در پاییز و زمستان ۱۳۸۰، بیست کیلومتر از مسیر نهرها در سه شاخه منتهی

به تالاب لایروبی شدند؛ مقسم و آب بند ها ترمیم و به صورت دائمی بوسیله سیمان و ماسه دوباره ایجاد و برای دهانه آب بند ها و مقسم ها، از ورقه فلزی استفاده شد و بدین گونه سیستمی پایدار و همیشگی برای آب بند ها ایجاد گردید و در نهایت آب به تالاب راه یافت. در سال بعد به علت وجود آب، گیاهان تالابی رشد کرده و اکوسیستم تالابی جان تازه ای به خود گرفت. در ادامه با حفظ و نگهداری از نه‌رهای لایروبی شده، آب تالاب ماندگار شد و به علت بالا آمدن سطح آبهای زیرزمینی، علیرغم وجود تبخیرهای فصلی، مشکل خشک شدن تالاب از میان رفت. در نتیجه احیای تالاب که از سال ۱۳۸۰ با یک اقدام خودجوش محلی آغاز شده بود، از سال ۱۳۸۳ مورد حمایت برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد قرار گرفت و با اعتبارات بیشتر، گروه اجرایی به گروه بزرگتری متشکل از چهار گروه محلی (شانی سولدوز، یاشیل داغ سولدوز، هیات کوهنوردی نقده و تعاونی حفظ محیط زیست سولدوز نقده) برای "مدیریت محلی احیای تالاب سیرانگلی" تعمیم یافت. میزان همکاری و مشارکت با به رسمیت یافتن طرح بیشتر شد و سرمایه اجتماعی اولیه، به تدریج گسترده تر شد تا به شکل یک گروه چتر برای ادامه فعالیت ها در آمد. از جمله فعالیت های این گروه چتر، لایروبی کانال ها و همچنین آموزش مخاطبان بود. همچنین با استفاده از اعتبارات موجود، علاوه بر ۲۰ کیلومتر قبلی، ۱۶ کیلومتر از انهار به صورت مکانیزه و در حدود ۲ کیلومتر به صورت دستی لایروبی شدند. علاوه بر هماهنگی و همیاری برای احیاء تالاب های اقماری، این گروه در آموزش و ارتقاء سطح آگاهی جوامع محلی و همچنین مسئولین در خصوص اهمیت تالاب های اقماری جنوب تالاب ارومیه نقش کلیدی داشته است. با احیاء تالاب ها، مراتع اطراف و همچنین کشاورزی این منطقه جان تازه ای گرفت. این طرح ها نشان دادند که چگونه می توان مشکلات را به کمک دانش بومی و همت جوامع محلی حل کرد^{۴۹}. تلاشهای گروه سمن های نقده و اثرگذاری موثر آنان در بهبود وضعیت اکولوژیکی تالاب و نیز معیشت مردم محلی منتفع از تالاب، سبب شد تا سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ میلادی جایزه بین المللی اکواتور^{۵۰} خود را به این شبکه اهدا کند^{۵۱}.

بعدها با استفاده از سرمایه اجتماعی و ظرفیت های ایجاد شده در این منطقه، طرح توسعه کشاورزی پایدار با حمایت طرح بین المللی حفاظت از تالاب های ایران، جهت کاهش مصرف آب در کشاورزی و کاهش مصرف سموم (مدیریت تلفیقی آفات)^{۵۲} آغاز شد. در این راستا گروه مدیریت محلی با استفاده از دانش بومی و تجربیات کسب شده، به حفاظت و احیاء منابع آب و خاک و تعیین نقشه راه برای بخش کشاورزی پرداخت و طرح جامع کشاورزی پایدار مبتنی بر مدیریت تلفیقی با پشتیبانی برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی و طرح حفاظت تالاب های ایران و با همکاری وزارت جهاد کشاورزی انجام شد^{۵۳}. همین امر موجب شد تا بعدها طرح بزرگتری توسط آژانس همکاریهای بین المللی ژاپن (جایکا)^{۵۴} در حوزه دریاچه ارومیه به منظور توسعه کشاورزی پایدار تعریف شود.

با این وجود، گروه های محلی که هسته اصلی فعالیت های مرتبط با احیاء و حفاظت تالاب ها بودند در طرح های بزرگتر، تنها نقش مشورتی داشته و هرگز در ساختار رسمی تصمیم گیری جدی گرفته نشدند.

52 Integrated pest management (IPM)

۵۳ شریفی مقدم، م. ۱۳۹۲

54 JICA

دامگاه های سنتی فریدونکنار

مجموعه دامگاههای سنتی منطقه فریدونکنار در استان مازندران متشکل از سه دامگاه فریدونکنار، سرخورد و اِزبان از آخرین اکوسیستم های تالابی هستند که صید در آنها به شیوه سنتی "دوماچال" انجام می شود. در شیوه دوماچال، منطقه وسیعی از تالاب به صورت قرق (یا آیش در گویش محلی) در آمده و سپس اردک های پرورشی و تربیت شده بر فراز این منطقه پرواز داده می شوند تا اردکهای وحشی را به سمت دامگاه (یا دوما در گویش محلی) هدایت کنند. این روش صید حداقل سیصد سال قدمت داشته و در طول سالیان نحوه آماده سازی آیش، تربیت اردک ها و پرواز دادن آنها مهارتی است که از پدر به پسر منتقل شده و می تواند به عنوان میراث ناملموس معنوی ثبت شود.^{۵۵}

دامگاه های سنتی، در واقع زمین های کشاورزی هستند که در بهار و تابستان مزارع برنج بوده و در زمستان جهت صید مرغابی (اردک سرسبز و خوتکا) مورد بهره برداری قرار می گیرند. بهره برداران یا همان کشاورزان دومادار، پس از برداشت برنج از شهریورماه، به تدریج مبادرت به آماده سازی دامگاه یا دوما می کنند. این کار با جمع آوری نوعی نی (جگن) و بافتن آن به صورت حصاری به دور منطقه قرق شده (چپرکاری) آغاز شده و با لایروبی نهرهای منتهی به تالاب و تنظیم آب ورودی به صورتی که سطح ایستایی آب مناسب برای پرندگان آبچر باشد، ادامه می یابد. به این ترتیب تالابهایی شکل می گیرند که توسط مردم محلی و با دانش بومی آنان مدیریت می شوند.

با مشاهده پرندگان با ارزشی مانند درنای سبیری، گونه ای شدیداً در معرض انقراض، سازمان حفاظت محیط زیست در سال ۱۳۸۰ این منطقه را شکار ممنوع و در سال ۱۳۸۲ به عنوان تالابهای با اهمیت بین المللی در کنوانسیون رامسر به ثبت رسانید. همچنین به همت خانم الن و وصالو توکلی، جانورشناس و فعال محیط زیست، انجمن حمایت از درنای سبیری از اواخر دهه ۷۰ شکل گرفت که در آبانماه ۱۳۸۰، این انجمن توانست با حمایت برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد، طرحی با عنوان "حفاظت جامعه بنیاد از طریق ایجاد دامگاههای سنتی در زیستگاههای زمستان گذران پرندگان مهاجر از جمله درنای سبیری" را به اجرا

گذارد. هدف این طرح جلب مشارکت دوماداران در حفاظت از زیستگاه درنای سبیری از طریق ظرفیت سازی، آگاه سازی، تحقیقات و کاهش تهدیدات بود. فعالیت های این انجمن در طرح مذکور که از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ ادامه داشت با مشارکت نمایندگان منتخب دامگاه داران که خود عضو انجمن بودند، در قالب بازدید های میدانی کارشناسان، تحقیقات دانشجویی، برگزاری نشست های محلی با دامگاه داران، برگزاری جلسات رسمی با سازمان حفاظت محیط زیست و برگزاری کارگاههای آموزشی برای آشنایی با رویکرد مشارکتی، به انجام رسید. همچنین زنان علاقمند تشویق به تولید صنایع دستی با نماد درنای سبیری و موضوعات مربوط با تالاب شدند که این محصولات در نمایشگاهها و بازارهای خیریه از طریق انجمن حمایت از درنای سبیری عرضه شد. در نهایت چند فیلم مستند، بروشور دوزبانه و مقالات فارسی و انگلیسی برای معرفی دامگاه های سنتی و ارزش آنها به عنوان زیستگاه زمستانگذرانی پرندگان مهاجر منتشر شد. اما یکی از دستاوردهای اصلی این طرح جلب اعتماد دامگاه داران و در نهایت ثبت رسمی تعاونی های دامگاه داران توسط سازمان محیط زیست در طی طرح منطقه ای "توسعه مناطق تالابی و شبکه های پروازی به منظور حفاظت از درنای سبیری و سایر پرندگان مهاجر آبرزی در آسیا" بود.^{۵۶}

افزایش آگاهی عمومی در مورد پرنده به شدت در معرض انقراض درنای سبیری، اهمیت دامگاهها به عنوان زیستگاه زمستانگذرانی این پرنده، به رسمیت شناخته شدن صید سنتی توسط سازمان حفاظت محیط زیست و انجام چندین پایان نامه دانشگاهی در خصوص تنوع زیستی، سموم شیمیایی، مدیریت سنتی دامگاهها و تاریخ طبیعی از دستاوردهای این طرح بود. طرح مذکور به دلیل موفقیت در جلب همکاری دامگاه داران، زمینه را برای انجام طرح های بیشتری در این منطقه ایجاد کرد و طرحهای متعددی از طرف سازمان حفاظت محیط زیست و برنامه محیط زیست ملل متحد، سفارت فنلاند و تعاونی دامگاه داران اجرا شدند.^{۵۷} همچنین در دو دهه اخیر، دامگاهها فرصت های ارزشمندی را برای پژوهشگران و تورهائ پرنده نگری و مطالعاتی فراهم نموده اند.

متأسفانه به دلایل نامشخصی جمعیت درنای سبیری از ۱۱ قطعه در طول بیست سال

به یک قطعه تقلیل یافته و به همین دلیل دوماداران نام آخرین پرنده را که ۱۰ سال است به تنهایی به تالاب های فریدونکنار مهاجرت می کند، "امید" گذاشته اند.

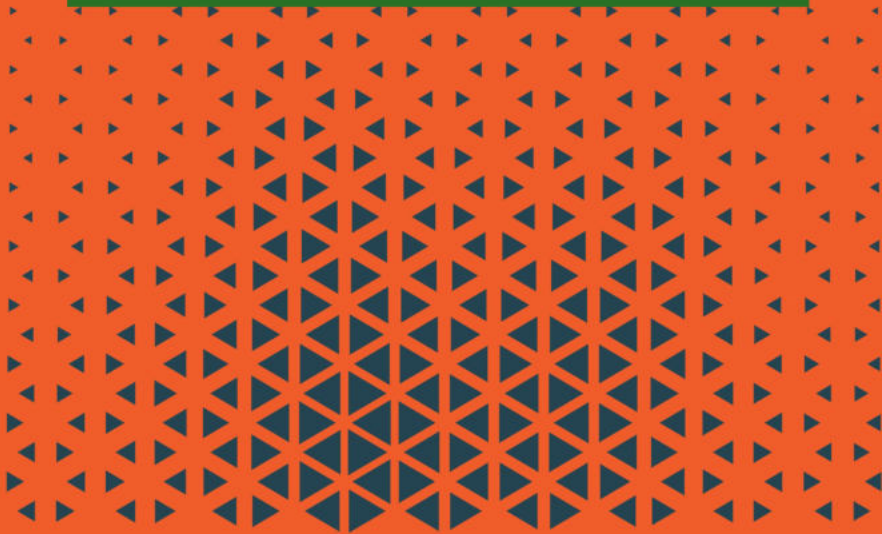
امید است با تلاش سمن ها و مشارکت جوامع محلی (از جمله صیادان و شکارچیان)، دیگر گونه های پرندگان مهاجر با ارزش از جمله عروس غاز و غاز پیشانی سفید کوچک که در این تالاب ها زمستانگذرانی می کنند، مورد توجه بیشتری قرار گرفته و مانند درنای سبیری حفاظت شوند.

متأسفانه عدم همکاری میان دوماداران و سازمان حفاظت محیط زیست، موجب شده تا این تالاب ها که هر ساله در زمستان، میزبان میلیون ها قطعه پرنده مهاجر آبرزی از جمله انواع مرغابی، خوتکا، اردک سرسبز، حواصیل، پلیکان، قو و غاز خاکستری است با مشکلات عدیده ای دست به گریبان شوند. توسعه شهری و تغییر کاربری اراضی کشاورزی، عدم هماهنگی میان ذینفعان به سبب نبود طرح جامع مدیریتی، کهولت سن دامگاه داران و نبود انگیزه در جوانان برای فراگیری دانش بومی فنون صید سنتی، شکار غیرمجاز و بی رویه در آبیندان های اطراف دامگاهها، ترویج کشت دوم برنج، شیوع بیماری آنفلوآنزای مرغی در برخی سالها و گردشگری غیرمسئولانه از تهدیدات موجود و آتی این مناطق حفاظت شده محلی هستند. یکی از راه های موجود برای حفظ این تالاب ها، توسعه بومگردی جامعه بنیاد است تا نه تنها حیات وحش منطقه بیش از پیش حفظ بلکه معیشت دوماداران هم تامین شده و گامی اساسی در جهت شناخت و معرفی ارزش های طبیعی و فرهنگی این منطقه برداشته شود.^{۵۸} بدین منظور کارگاه هایی با زنان روستایی برای ساخت عروسک های دست ساز از پرندگان مهم تالاب با حمایت برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی برگزار شده است. همچنین محصولات برنج سالم به عنوان قدمی مهم در جهت حفظ محیط زیست تالاب با حمایت همین برنامه از سال ۱۳۸۴ در ابتدا در روستای سوته (تعاونی درنای سبیری) و سپس در روستای ازاباران (تعاونی برگ سبز) اجرا شد که در طرح های بین المللی دیگر با مشارکت بنیاد جهانی درناها و سازمان حفاظت محیط زیست و برنامه محیط زیست سازمان ملل ادامه یافته است.^{۵۹} با این وجود و به منظور حفظ ارزش های فرهنگی و طبیعی منطقه، بایستی از توسعه گردشگری عام و انبوه در این منطقه اکیدا خودداری تا این منطقه همانند برخی از مناطق استان مازندران دچار تغییر کاربری اراضی نشود.



دشت کویر

نظام‌های عرفی حفاظت و بهره‌برداری پایدار از مناطق بیابانی



ابتکار محلی عشایر کوچرو ایل ابوالحسنی جهت کاهش اثرات خشکسالی

عشایر ایل ابوالحسنی قرن هاست که در منطقه خارتوران در حاشیه کویر مرکزی ایران زندگی می کنند. دامداری یکی از معیشت های عمده آنهاست و دهه های اخیر خشکسالی چالشی جدی پیش روی آنها قرار داده است؛ تلفات و نازایی دام از عوارض خشکسالی است. خارتوران به عنوان یکی از ذخیره گاههای زیست-کره، منطقه ای بیابانی و خشک است که از غنای تنوع زیستی گیاهی ارزشمندی برخوردار است. مراتع این منطقه، منبع تامین علوفه برای دام عشایر ایل ابوالحسنی است. خشکسالی های پی در پی، سبب کاهش میزان علف جهت چرای احشام ایل شده و تامین علوفه دستی برای آنان مقرون به صرفه نیست. خشکسالی درآمد آنان را به شدت کاهش داده و همین امر سبب مهاجرت تعدادی از آنان به شهرهای اطراف شده است. با این حال عده ای از این عشایر با اتکاء به دانش بومی و تجربیات ریش سفیدان ایل و بکارگیری شیوه های مبتکرانه در مقابله با بیابانزایی و خشکسالی برآمدند. آنان بر اساس دانش بومی و دانش نوین، محصولات خود را به نحوی مدیریت کردند که به تدریج به شیوه ای مبتکرانه موسوم به ”چرخه عبور از خشکسالی“ معروف شد. در چرخه عبور از خشکسالی، با توجه به اینکه میش ها و بزهای ماده در فاصله چهل تا پنجاه روز مانده به نوروز بره و بزغاله های خود را به دنیا می آورند، بنابراین سرچر مزارع جو علوفه ای^{۶۰} که در مهر ماه هر سال کشت می شود، فرصت مناسبی برای تعلیف بره ها، بزغاله ها و گوسفندان مادر است. عشایر، بره و بزغاله ها و دام های ضعیف را از گله جدا کرده و آنها را از اواسط خرداد تا اواخر مرداد جهت چرا و تعلیف مناسب به ته دشت مزارع جو علوفه ای هدایت می کنند. آنان پس از برداشت پسته از اواسط شهریور تا نیمه آبانماه، دامها را به باغات پسته هدایت تا دامها با استفاده از برگ این درختان و علف های هرز موجود در باغات، علوفه مورد نیاز را جهت تعلیف به دست آورند. همچنین از اوایل مهر تا نیمه آن دامها جهت تعلیف از بقایای مزارع هندوانه استفاده می کنند. در این منطقه هندوانه را با هدف بذرگیری می کارند؛ بنابراین پوسته و باقیمانده هندوانه را به گوسفندان می دهند. محلی ها پس از برداشت پنبه نیز دام را از نیمه آبان تا نیمه آذر به ته کشت پنبه زار هدایت می کنند. سپس، دام های نر از گله جدا

و در زمان مناسب که معمولاً از اواخر مهر ماه تا دی ماه است به فروش می‌رسد.^{۶۱} برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی برنامه عمران ملل متحد در طی طرح "مدیریت و قرق بومی قلمرو عرفی عشایر کوچرو ایل ابوالحسنی - مقابله با تغییرات آب و هوایی، مدیریت مراتع و احیاء کشاورزی از طریق چرخه عبور از خشکسالی"، صندوق معیشت پایدار ایل ابوالحسنی را در جهت توسعه چرخه عبور از خشکسالی از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ مورد حمایت قرار داد. این حمایت جهت کشت جو علوفه ای برای مصرف دام انجام شد؛ صندوق مذکور نیز با این اعتبار وامهایی را به افراد ایل از جمله زنان تخصیص داد. کاهش وابستگی به بازار علوفه و کوتاه شدن دست واسطه‌های بیرونی، جلوگیری از پیش‌فروش دام‌ها و فروش آنها در فصل مناسب و به قیمت روز، کم شدن وابستگی جامعه محلی به بانک‌های مربوطه، توسعه دامداری و کشاورزی، تلاش برای رسیدن به خودکفایی و بهبود نسبی وضع معیشتی عشایر کوچرو طایفه، کاهش فشار بر مراتع ییلاق و قشلاق با تامین علوفه دامی به طرق دیگر، حفاظت از مراتع و قرق آن در برخی از آبادیها مانند کلاغ زیلی و اسبکشان، رشد مناسب بره‌ها و بزغاله‌ها جهت باروری و شیردهی، افزایش قدرت باروری بره‌ها و بزغاله‌ها (بارور شدن در سن یک سالگی به جای دوسالگی)، افزایش توان دو قلو زایی در بین گله تا ۳۰ درصد و جلوگیری از تلف شدن دام و احیای مجدد دام‌ها از فواید اجرای این طرح بود.^{۶۲}

۶۱. فیلم قرق بومی ایل ابوالحسنی مقابله با تغییرات آب و هوایی از طریق نوآوری بومی

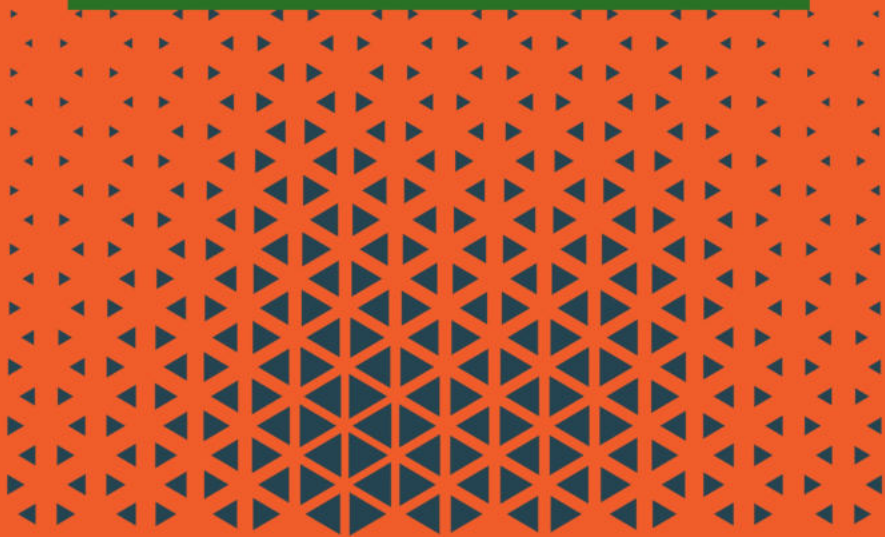
۶۲. گزارش پیشرفت طرح "مدیریت و قرق بومی قلمرو عرفی عشایر کوچرو ایل ابوالحسنی - مقابله با تغییرات آب و هوا، مدیریت مراتع و احیاء کشاورزی از طریق چرخه عبور از خشکسالی"، ۱۳۸۹

جدول ۲: دامداری مبتنی بر کوچ و دامداری مبتنی بر چرخه عبور از خشکسالی^{۶۳}

دوره	دامداری مبتنی بر کوچ (چرخه طبیعی)	چرخه عبور از خشکسالی
بهار چر در میان‌بندها	۱۵ اسفند تا ۱ خرداد، چرای دام در مراتع میان‌بند ۳۰ اردیبهشت جدا کردن بره و بزغاله از مادر و از شیر گرفتن آنها (رگا)	—
بیلاق (سردسیر) در سرخیل‌ها	۱ خرداد تا ۳۱ شهریور، چرای دام در مراتع بیلاقی اوایل خرداد: شروع شیردوشی از دام در سرخیل‌ها، جهت تولید فرآورده‌ها و محصولات لبنی ۱۰ مرداد: جدا کردن قوچ‌ها و بزهای نر از گله و تعلیف جداگانه آنها ۱۰ شهریور: رها کردن قوچ‌ها در بین گله (قوچ‌اندازی)؛ ۱۵ شهریور: رها کردن بزهای نر در گله	۱۵ خرداد تا ۳۱ مرداد: بره‌ها و بزغاله‌های پرواری و دام لاغر را از گله جدا کرده و آنها را به ته دشت (پس‌چر) مزارع جو علفی هدایت می‌کنند
پاییز چر مراتع اطراف آبادی‌ها	۱ مهر تا ۱۵ آبان، چرای دام در مراتع اطراف آبادی‌ها ۳۰ مهر: شروع فروش بزغاله‌ها	۱ شهریور تا ۱۵ آبان: تعلیف بره‌ها، بزغاله‌ها و دام لاغر از بقایای گیاهی باغات پسته
قشلاق (گرمسیر) مراتع کویری	۱۵ آبان تا ۱۵ اسفند، چرای دام در مراتع قشلاقی (کویر) اواخر دی تا اوایل بهمن ماه: فروش بره‌ها ۱۰ بهمن، زایش میش‌ها ۲۰ بهمن، زایش بزها	۱۵ آبان تا ۱۵ آذر: تعلیف در ته دشت‌پنبه



میراث ناملموس معنوی و ارتباط آن
با حفاظت عرفی



ثبت دانش بومی ایل قشقایی در مدیریت منابع و قلمرو در منطقه زاگرس

در هزاره چهارم قبل از میلاد (حدود ۶۰۰۰ سال قبل)، در دشت غنی و حاصلخیز بین النهرین نخستین تمدن بشری پایه گذاری شد. سپس این تمدن از طریق شوش به مردمان دامدار و کوچنده زاگرس رسید. زندگی کوچ نشینی، عبور از کوه ها، دشت ها و رودها و نیز نگهداری هزاران دام در پهنه بیکران سرزمین نیازمند دانش و تشکیلات منسجم و دقیقی بود که به تدریج در طی هزاران فرسنگ کوچ و سالها کوچ نشینی شکل گرفته بود.^{۶۴} مدیریت ده ها هزار خانواده کوچرو به همراه میلیون ها دام در سرزمین پهناور ایران کار مشکل و پیچیده ای بود. اما این شیوه زندگی، مردم عشایر را از بدو تولد به تدریج آگاه به رموز طبیعت کرد. شکار، سوارکاری، دانش وسیع در مورد طبیعت، گیاهان و جانوران و چگونه زیستن در طبیعت به صورتی که طبیعت تخریب نشود، بخشی از زندگی روزمره عشایر کوچرو بود. مردان ایل، در پرورش دام و دامداری و زنان ایل، در امور بافندگی و تولید وسایل مورد نیاز، به مهارت بی مانندی دست یافتند. با این وجود ساختار زندگی عشایری در صد سال گذشته دچار تغییرات بی بازگشتی شده است. سبک زندگی به سبب مهاجرت به شهرها به سرعت در حال تغییر است و این خود به مرور، سبب زوال و فراموشی دانش بومی آنان در همزیستی با طبیعت می شود. امروزه کشورهای جهان با حمایت سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد^{۶۵}، این دانش بومی را به عنوان میراث ناملموس جهانی به رسمیت می شناسند.

دانش بومی عموماً به صورت شفاهی و سینه به سینه به نسلهای بعدی منتقل می شود. بخشی از این دانش مربوط به آیین ها، سنت ها، فرهنگ و صنایع دستی و بخشی مربوط به نحوه مدیریت منابع طبیعی است که نیازمند جمع آوری، مستندسازی و ثبت است. بدین جهت ضرورت دارد تا این دانش و قوانین عرفی مدیریت منابع طبیعی، در قالب مشاهده، مصاحبه، جمع آوری مستندات شخصی ریش سفیدان و گیس سفیدان، ثبت شده و پس از جلب رضایت آگاهانه آنان در قالب کتابچه و الواح فشرده برای نسلهای آینده معرفی و محفوظ بماند.

در طی سالهای گذشته با حمایت برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد، جوامع محلی و سازمان های مردم نهاد فعال در زمینه محیط زیست کوشیده اند تا بخش کوچکی از این اقیانوس عظیم دانش را ثبت و

مستندسازی کنند.

کانون عشایر قشقایی فارس فعال در زمینه محیط زیست با مشارکت برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد از اواخر دهه ۸۰ تلاش ارزنده ای را آغاز نمود تا بخشی از دانش بومی مرتبط با مدیریت مرتع را در قالب مصاحبه با بزرگان و ریش سفیدان جمع آوری و در قالب کتابی با عنوان "مدیریت مرتع در ایل قشقایی" به چاپ برساند.

همچنین این گروه در قالب طرح "معیشت در زمینه هنر برای حفاظت از طبیعت" به جمع آوری دست نگاره- های زنان ایل قشقایی اقدام نمود. در اصل هنر دستی زنان عشایر بازتاب دانش و درک عمیق آنها از طبیعت است. این فعالیت های ارزنده با حمایت برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی منجر به تدوین و انتشار اولین کتاب در این زمینه با عنوان "بازتاب طبیعت زاگرس در هنر بافندگی ایل قشقایی" و چاپ دوم تحت عنوان "بازتاب طبیعت زاگرس در نگاره های قشقایی" شد.^{۶۶}

لازم به یادآوری است که نیاز است این فعالیت ها با جدیت ادامه یافته تا به عنوان یک سرمایه و میراث ناملموس برای نسل بعد به یادگار مانده و چراغ راهی برای مدیریت منابع طبیعی کشور باشد.

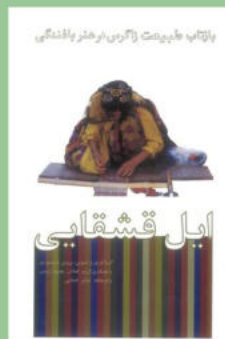
بازتاب طبیعت زاگرس در هنر بافندگی

گردآورنده: پروین دره شوری با همکاری گروه فعالان محیط زیست و

فرهنگ عشایر قشقایی

سال انتشار: ۱۳۸۹

ناشر: یاران مهر



بازتاب طبیعت زاگرس در نگاره های قشقایی

گردآورنده: پروین دره شوری با همکاری گروه فعالان

محیط زیست و فرهنگ عشایر فارس

سال انتشار: ۱۳۹۳

ناشر: ادیب مرتضوی



تدوین، ثبت و ترمیم جنگلداری سنتی جنگل های بلوط

زاگرس شمالی

گردآورنده: سوده جمشیدیان، سمیرا سلیمی، هدایت غضنفری

ناشر: دامون





نگین ارغوانی دشت سولدوز

گردآورنده: مهدیه مصطفی پورشاد

سال انتشار: ۱۳۸۸

ناشر: برگ زیتون



حفاظت از لاک پشت های جزیره قشم

گردآورنده: دفتر محیط زیست منطقه آزاد قشم



به نژادی تکاملی

گردآورنده: موسسه توسعه پایدار و محیط زیست

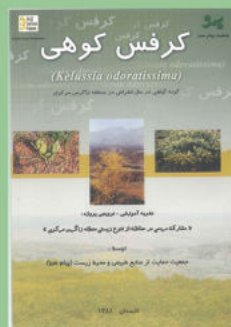
سال انتشار: ۱۳۹۲

کرفس کوهی

گردآورنده: مجید ابروایی، زهرا جابر الانصار

سال انتشار: ۱۳۸۴

ناشر: پیام سبز

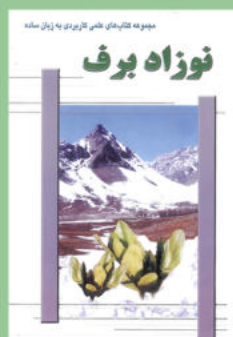


نوزاد برف

گردآورنده: حسین گوگوانی، مرتضی خود سیانی، فاطمه اصلانی

سال انتشار: ۱۳۸۶

ناشر: دادیار

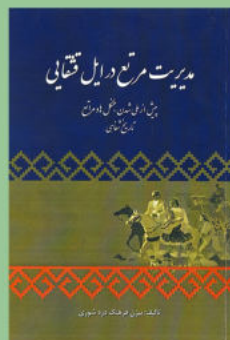


مدیریت مرتع در ایل قشقای

گردآورنده: بیژن فرهنگ دره شوری

سال انتشار: ۱۳۹۲

ناشر: برگ زیتون

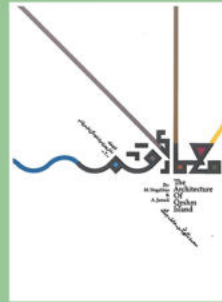


معماری قشم

گردآورنده: محمد نگهبان، عارف جمادی

سال انتشار: ۱۳۹۱

ناشر: ماه و ما

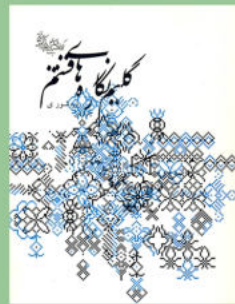


گلیم نگاره های قشم

گردآورنده: پروین دره شوری

سال انتشار: ۱۳۸۷

ناشر: دیبایه

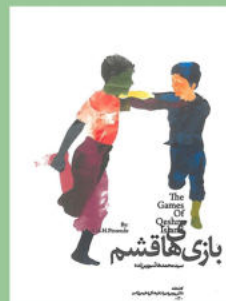


بازی های قشم

گردآورنده: سید محمد هاشم پیرزنده، محمد شریف رنجبر

سال انتشار: ۱۳۹۱

ناشر: ماه و ما

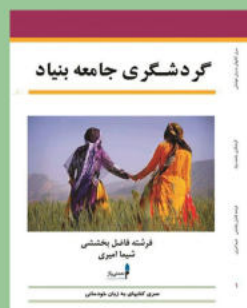


گردشگری جامعه بنیاد

گردآورنده: فرشته فاضل بخششی، شیما امیری

ناشر: نعمتی پاژ

سال انتشار: ۱۳۹۵

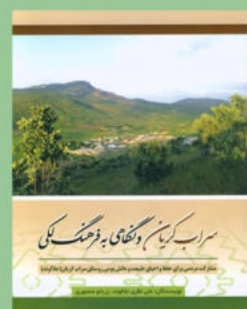


سراب کریان و نگاهی به فرهنگ لکی

گردآورنده: علی نظری، زربانو منصوری

سال انتشار: ۱۳۹۲

ناشر: برگ زیتون



ظرفیت سازی در زمینه
مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی

حفاظت و ثبت دانش در حال زوال بومی برای حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی حائز اهمیت است و برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات محیط‌زیست جهانی عمران ملل متحد تلاش کرده تا این دانش در سراسر جهان جمع‌آوری شود. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای هدف در طرح "تدوین راهبرد حمایت از مناطق تحت حفاظت جوامع محلی"^{۶۷} انتخاب شده است. این طرح توسط برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات محیط‌زیست جهانی در ۲۶ کشور جهان در حال اجرا است.

این طرح که هم‌اکنون در مناطق مختلف کشور در حال اجراست، اهداف زیر را دنبال می‌کند:^{۶۸}

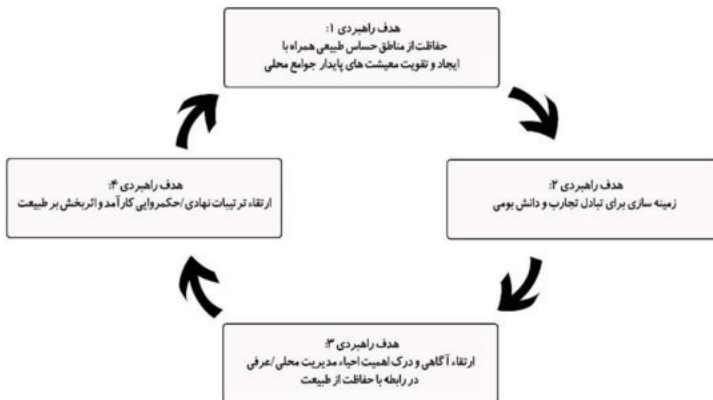
۱. شناسایی و مستند سازی مناطق تحت حفاظت جوامع محلی و دانش بومی
 ۲. برگزاری جلسات مشورتی برای تهیه یک گزارش تحلیلی از وضعیت مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی
 ۳. ایجاد پایگاه داده از مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی موجود و بالقوه در سطح ملی
 ۴. حمایت از مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی منتخب برای تکمیل یک فرایند خود ظرفیت‌سازی با روش‌شناسی مشارکتی
 ۵. بسترسازی گفتگو، آگاه‌سازی و ارتقاء درک ملی در زمینه مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی
 ۶. پشتیبانی از ایجاد شبکه تبادل دانش و تجارب میان مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی
 ۷. اثرگذاری در سیاست‌گذاری و به رسمیت شناخته شدن نقش جوامع محلی در حفاظت از منابع طبیعی
- در کشور ایران، پس از تصویب "راهبرد کشوری برنامه کمک‌های کوچک در فاز عملیاتی ششم"^{۶۹}، تدوین راهبرد حمایت از مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی، به عنوان بخشی از راهبرد کشوری برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی در دستور کار قرار گرفت.

67 Country Program Strategy for Community Conserved Areas (CCAs)

68 CCA Strategy (Iran)

69 Country Program Strategy for Sixth Operational Phase (CPS-OP6)

هدف از این طرح بهبود سازوکارهای لازم برای به رسمیت شناخته شدن و ارتقاء اثربخشی راهکارهای محلی و مبتنی بر دانش بومی جوامع محلی در زمینه مدیریت پایدار سرزمین بود. در این راستا نمایندگان تشکلهای محلی، مدنی، دانشگاهی و دستگاههای دولتی دست‌اندرکار با استفاده از تجارب و درس آموخته‌های بیش از ۳۸ طرح برنامه کمک‌های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی در ایران (جدول پیوست)، تلاش نمودند با مرور تجربیات این طرح‌ها و شناسایی عوامل موثر در موفقیت و یا عدم موفقیت، همزمان با بازدیدهای میدانی و برگزاری کارگاه‌های گروهی، پیش‌نویس راهبرد مورد نظر تهیه شود.



فرآیند راهبرد حمایت از مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی

تدوین این راهبرد توسط انجمن جوانان حافظ زمین (دامون) و حمایت برنامه کمک-های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد و با تاکید بر نقاط قوت و فرصت‌ها در طی سه مرحله اصلی زیر انجام گردید:

مرحله اول:

- ۱) مرور منابع و تجارب و دستاوردهای حاصل از فعالیتهای پیشین در این زمینه در ایران
- ۲) برگزاری کارگاه‌های هم‌اندیشی با گروه‌های ذینفع و ذی ربط دارای تجربه

۳) بازدیدهای میدانی و بررسی نمونه های موفق و ناموفق از مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی

۴) جلسات با نمایندگان دستگاه های دولتی موثر (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان شیلات، وزارت جهاد کشاورزی،)

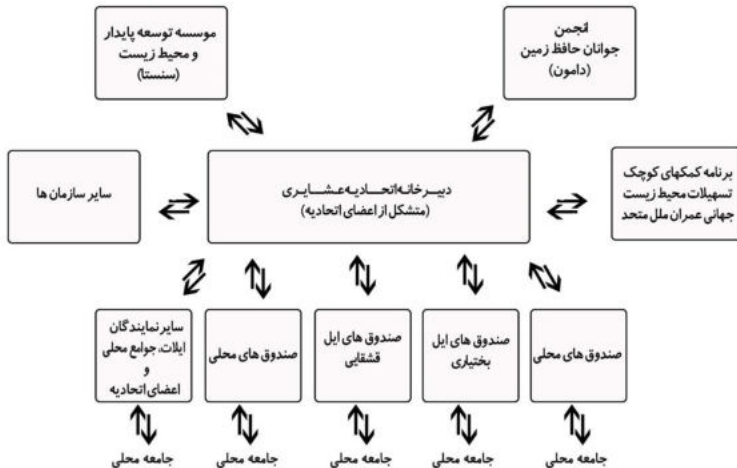
۵) تدوین پیش نویس گزارش راهبردی شامل چشم انداز، تعیین اهداف راهبردی و اهداف عملیاتی و اقدامات اولویت دار
مرحله دوم:

این مرحله طرح شامل برگزاری نشست های هم اندیشی و مشورتی با دست اندرکاران دولتی و تشکل های جوامع محلی و سازمان های مردم نهاد با هدف نهایی نمودن راهبردها و اقدامات پیشنهادی، برنامه زمان بندی و شناسایی مسئول اجرا و برنامه پایش و ارزیابی بود. همچنین در این راستا، چندین کارگاه آموزشی و مشورتی با نمایندگان جوامع محلی فعال در زمینه حفاظت از محیط زیست دارای سابقه همکاری با برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی برگزار گردید.

با این حال، با توجه به اهمیت زندگی عشایری در حفظ مناطق حفاظت شده عرفی و محلی و ظرفیت سازی های انجام شده توسط موسسه توسعه پایدار و محیط زیست در بیست سال گذشته، چندین نشست کارگاهی آموزشی و مشورتی با نمایندگان اتحادیه شوراهای معیشت پایدار عشایر کوچرو ایلات ایران^{۷۰} به میزبانی دفتر برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد در سال ۱۳۹۷ انجام شد تا فرصتی را برای نمایندگان عضو اتحادیه عشایری فراهم نموده تا با گفتگو میان خود، تجارب گذشته خود در انجام طرح های مشارکتی در جهت حفظ منابع طبیعی را مرور نموده و وضع موجود مناطق تحت حفاظت عرفی و نیازهای آتی این مناطق را به شور گذاشته و راهکارهایی را به صورت شفاهی در طی کارگاه های مشورتی ارائه دهند.

یکی از پیشنهادهای کارگاه ها، تشکیل یک کارگروه عشایری بود تا به صورت افقی ارتباط بین جوامع محلی فعال در زمینه حفظ و احیاء منابع طبیعی برقرار شده

و تجربیات موفق مبادله کردند. برای مثال تجربه موفق راه اندازی گردشگری جامعه بنیاد می تواند به سایر گروه های عشایری علاقمند منتقل شود. مکانیزم پیشنهادی همکاری بین گروه های عشایری در شکل زیر خلاصه شده است.



مکانیزم اجرایی پیشنهادی برای تقویت همکاری در بین گروه های عشایری (کار گروه عشایری)

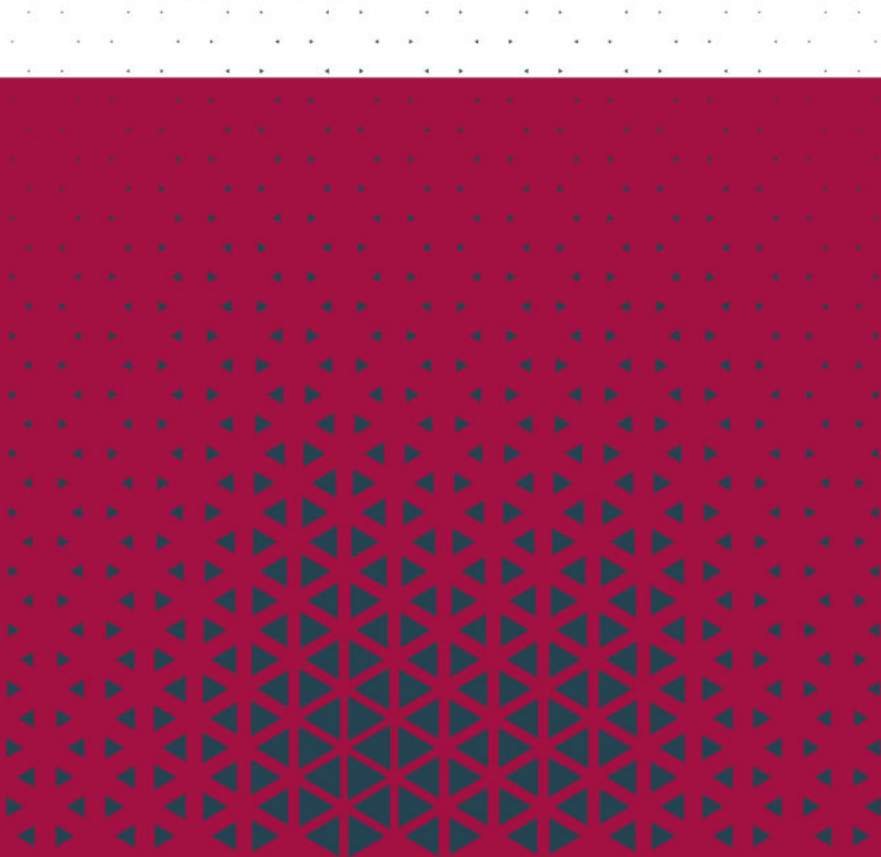
مرحله سوم:

در مرحله سوم ظرفیت سازی در زمینه مناطق تحت حفاظت عرفی و محلی، با انجام فراخوانی طرح های پیشنهادی از سوی تشکل های محلی و سازمان های مردم نهاد به دفتر کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی ارائه شد.

پس از بررسی طرح های پیشنهادی توسط کمیته راهبری ملی برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی متشکل از نمایندگان از وزارت امور خارجه، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان حفاظت محیط زیست، دانشگاهها، سازمان های غیردولتی و نمایندگان جامعه محلی، سی طرح کوچک مقیاس (دو ساله) در این زمینه در مناطق مختلف ایران تصویب که با بهره گیری از تجربیات و درس آموخته های گذشته، به اجرا در آمده است.

شاید برسید...

برگرفته از مقاله‌ای به شرحی برای مردمی در ایران و جهان
موسسه پژوهش‌های راهبردی و مدیریتی (موسسه)



آیا جامعه محلی ما منطقه حفاظت شده عرفی و محلی دارد؟

اگر به عنوان یک فرد روستایی و یا عشایری در جایی که زندگی می کنید که شرایط زیر را داشته باشد، می توان گفت که شما در یک منطقه حفاظت شده عرفی و محلی زندگی می کنید:

- معیشت جامعه محلی شما از نظر اقتصادی، فرهنگی و یا سایر جنبه ها، وابسته به این مناطق است.

- جامعه محلی شما نقش اصلی در مدیریت منابع طبیعی و فرآیند تصمیم گیری و اجراء دارد.

- تلاش های مردم محلی شما در جهت حفظ اکوسیستم (زیستگاه، گونه یا خدمات اکولوژیکی) است.

آیا وجود منطقه حفاظت شده عرفی و محلی مهم است؟

بله، مناطق حفاظت شده عرفی و محلی از نظر حفاظت از تنوع زیستی و اکوسیستم ها دارای اهمیت هستند به دلایل زیر:

- ایجاد پناهگاه امن برای گونه های گیاهی و جانوری مورد تهدید یا در خطر انقراض

- ایجاد کریدور ارتباطی و حفاظتی بین مناطق حفاظت شده رسمی

- حفظ دانش بومی

- محدودیت در فعالیت های مخرب توسعه و استفاده ناپایدار از منابع طبیعی

- ترویج تصمیم گیری مشارکتی در چهار چوب قوانین عرفی و سنت های حفظ طبیعت

این مناطق برای مردم محلی تامین کننده امنیت، معیشت و فرصت بوده و منافع اقتصادی

غیر مستقیم از جمله اکوتوریسم را برای آنان ایجاد می کند. همچنین فراهم نمودن

فرصت تصمیم گیری، توانمند سازی مردم محلی و دسترسی به اطلاعات، کمک به

انسجام اجتماعی و افزودن امکان فعالیت های مرتبط با توسعه پایدار و نیز برقراری عدالت

اجتماعی و اقتصادی از دیگر مواهب این مناطق برای مردمان محلی است.

چه معیارهایی برای شناسایی مناطق حفاظت شده عرفی و محلی وجود دارند؟

- آیا گونه یا اکوسیستم خاصی حفظ و یا احیاء می شوند؟

- آیا محدوده و منطقه مشخص است؟ (دارای مرز و نام محلی)

- آیا دانش بومی در رابطه با موضوع مورد نظر مورد استفاده قرار می گیرد؟

- آیا جامعه محلی کار گروهی و مشارکتی در سطح محلی انجام می دهد؟ (دارای

سرمایه اجتماعی اولیه)

- آیا ارتباطی قوی و نزدیک میان مردم محلی با قلمرو/محدوده/گونه مورد نظر، به دلایل فرهنگی و معیشتی وجود دارد؟

- آیا مردم محلی نقش کلیدی در تصمیم‌گیری در مورد مدیریت قلمرو/محدوده/گونه مورد نظر دارند؟

- آیا تصمیمات مدیریتی جامعه محلی به طور موثر منجر به حفاظت از قلمرو/محدوده/گونه می‌شود؟ (حتی اگر حفاظت هدف اصلی نباشد)

چه مواردی مناطق حفاظت شده محلی را تهدید می‌کنند؟

مفهوم مناطق حفاظت شده عرفی و محلی هم از بیرون و هم از درون ممکن است مورد تهدید واقع شود؛ برای مثال، رسانه‌ها و ابزارهای اطلاع‌رسان دیداری، شنیداری و دیجیتال سبب تغییر در فرهنگ مردم محلی می‌شوند و نظام‌های آموزشی رسمی و کارشناسی/علمی معمولاً جایگاهی برای ارزش‌گذاری‌های محلی و دانش بومی قائل نمی‌شوند. تفکر اقتصاد سرمایه داری کلان نیز عرصه را بر بازارهای کوچک محلی تنگ کرده و پایداری اقتصادی آنها را با خطر جدی مواجه کرده است. از سوی دیگر منابع طبیعی با ارزش تجاری (مانند معدن، چوب و غیره) ممکن است به راحتی از دسترس مردم محلی خارج شوند و در اختیار بخش خصوصی و زمین‌خواران قرار گیرند. همچنین فعالیت‌های توسعه‌ای مانند شهرسازی، راهسازی، سدسازی، اکتشاف معادن و غیره وقتی بدون مشورت، مشارکت و رضایت آزادانه و آگاهانه مردم محلی اجرا شوند، تهدیدی جدی برای حفاظت و صیانت از فرهنگ و طبیعت هر کشوری به شمار می‌روند.

البته مناطق حفاظت شده محلی از درون نیز مورد تهدید هستند؛ برای مثال دانش بومی ریش سفیدان و گیس سفیدان محلی به دلایل مختلفی ثبت و مستندسازی نمی‌شود و به نسل جوان محلی منتقل نمی‌شود؛ با گسترش رسانه‌های جمعی، تغییر در سبک زندگی و رفتار جوامع محلی و عشایری با سرعت بیشتری اتفاق می‌افتد؛ مهاجرت جوانان محلی به شهرها و ترک زادگاه‌شان به منظور کسب و کار بهتر، رو به افزایش است؛ در ضمن خواسته‌ها و منافع فردی بر نیازها و منافع گروهی غالب می‌شود و سرمایه اجتماعی در حال کاهش است؛ گاهی فعالیت‌های محلی، نه تنها در جهت اهداف حفاظتی انجام نمی‌شود بلکه سبب

زوال گونه ها و تخریب اکوسیستم ها می شوند؛ بهره برداری بی رویه بدون در نظر گرفتن دانش بومی و خرد جمعی، بکارگیری ابزار آلات مدرن و نوین برای بهره کشی از طبیعت (از جمله شکار و صید بی رویه) صرفاً برای اهداف اقتصادی، جوامع محلی را نسبت به محیط زیست خود بیگانه کرده و اختیارات تصمیم گیری در رابطه با منابع طبیعی را به بیرونی ها واگذار می کند.

تهدیدات ذکر شده به همراه کاهش تصدی منابع و عرصه، عموماً سبب به فراموشی سپاری دانش بومی، کاهش دلبستگی به داشته های زیست محیطی محلی، از بین رفتن گویش و زبان محلی، فراموشی آداب و سنن فرهنگی-اجتماعی و کنار گذاشتن الگوهای سنتی یادگیری از جمله روابط بین ریش سفیدان و گیس سفیدان محلی و جوانان می شود. اینها همگی بر حکمرانی مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی اثری سوء دارند.^{۷۱}

پیوست:

زمینه کاری، تعداد طرح و بودجه اختصاص یافته جهت اجرای طرح های مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی با حمایت برنامه کمکهای کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی عمران ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران تا سال ۱۳۹۷

زمینه کاری	تعداد طرح	بودجه (دلار)
تغییر اقلیم	۵	۷۹۰۰۰
چند محوره	۶	۱۸۷۷۵۰
تخریب سرزمین	۴	۷۴۶۰۷
تنوع زیستی	۱۵	۲۹۱۷۰۰
آبهای بین المللی	۳	۵۶۵۳۰
تنوع زیستی، تغییر اقلیم، تخریب سرزمین	۴	۹۹۰۰۰
تنوع زیستی، تغییر اقلیم	۱	۴۸۷۰۰
مجموع	۳۸	۸۳۷۲۸۷

نمودار اعتبارات اختصاص یافته به طرح های اجرا شده در زمینه مناطق تحت حفاظت عرفی جوامع محلی توسط برنامه کمک های کوچک تسهیلات محیط زیست جهانی تا سال ۱۳۹۷





دانش محلی جنگلداری هوازه خول، کردستان
عکس: هدایت غسنفري

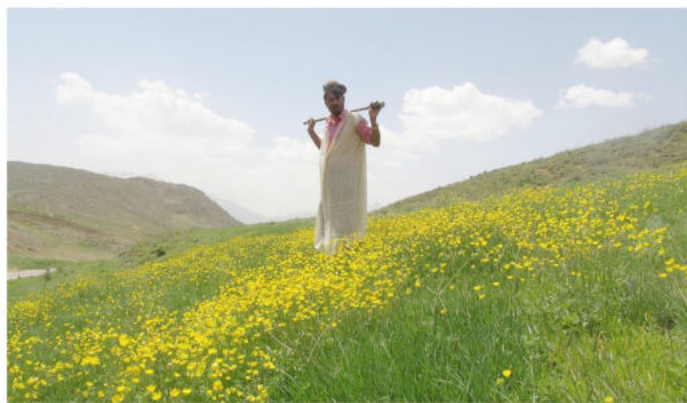


احياء ذخاير دريایی منطقه سلخ

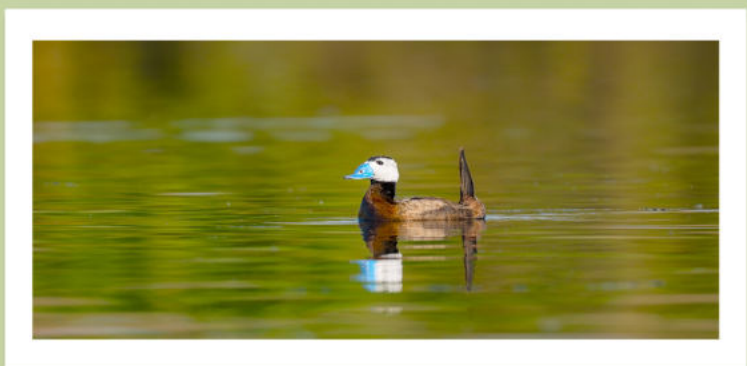


مشارکت مردم محلی در حفاظت از
لاک پشت پوزه عقابی





گردشگری جامعه بنیاد
در قلمرو عشایر تیره هیبت لو ایل قشقایی



حفاظت مشارکتی از تنوع زیستی تالاب کانی برازان
عکس ها: رضا محمدپور



دامگاه های سنتی فریدونکنار
عکس ها: حسین خادمی

منابع مورد استفاده:

برای سهولت دسترسی خواننده به منابع، شماره پانویس مندرج در متن کتابچه، در کنار هر کدام از منابع زیر درج شده است.

- ۱۴ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶)، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۰۹۹۵، ۲۱/۱/۹۶، ۳۵ صفحه
- ۱۸ مجنونیان، ه.، ۱۳۹۴، پارکداری (طرح ریزی مدیریت پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده)، انتشارات دی نگار، ۳۱۴ صفحه
- ۲۳ خبرنامه طرح تدوین، ثبت و ترمیم جنگلداری سنتی در جنگل های بلوط زاگرس شمالی روستای هواره خول بانه، ۱۳۸۶، انجمن دامون، ۴ صفحه
- ۲۶ فیلم هندوانه سنبک، ۱۳۹۶، موسسه توسعه پایدار و محیط زیست، بخشی از سخنان غلامرضا مهدوی زاده، عضو صندوق احیاء مزرعه چال سنبک
- ۲۷ دانش بومی «چال سنبک» در کشاورزی، ۱۳۹۴، خبرگزاری مهر، گفتگوی بهمن ایزدی با خبرگزاری مهر، mehrnews.com/news/2883174
- ۲۸ گزارش طرح احیاء دشت چال سنبک، ۱۳۹۰، صندوق احیاء دشت چال سنبک، ۲۰ صفحه
- ۳۳ اهداف کشاورزی زیستی در حفاظت از تنوع و ذخایر ژنتیکی، ۱۳۹۸، شبکه کشاورزان زیستی بوم سازگار، ۶ صفحه
- ۳۸ احیاء قرق های بومی و مدیریت عرفی منابع طبیعی در قلمرو طایفه فرخ وند از ایل بختیاری، ۱۳۹۱، شورای معیشت پایدار عشایر کوچرو ایل بختیاری و موسسه توسعه پایدار و محیط زیست، ۲۴ صفحه
- ۳۹ ایروانی، م.، جابر الانصار، ز.، ۱۳۸۴. کرفس کوهی: گونه گیاهی در حال انقراض در منطقه زاگرس مرکزی. جمعیت حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست (پیام سبز)، ۳۹ صفحه
- ۴۰ گوگوانی، ح.، خودسیانی، م. و اصلانی، ف.، ۱۳۸۶. نوزاد برف (کرفس کوهی). نشر دادیار، ۴۲ صفحه
- ۴۱ خبرنامه طرح مشارکت مردمی در حفاظت از تنوع زیستی منطقه زاگرس مرکزی، انجمن پیام سبز، ۷ صفحه
- ۴۲ فاضل بخششی، ف. و امیری، ش.، ۱۳۹۵، گردشگری جامعه بنیاد، انتشارات آهنگ قلم، ۱۱۶ صفحه
- ۴۳ خبرنامه شماره یک طرح برنامه ریزی و اجرای مشارکتی اکوتوریسم جامعه بنیاد با تاکید بر گسترش قرق های بومی در قلمرو عرفی عشایر کوچنده تیره هیبت لو از طایفه شش بلوکی ایل قشقای، ۱۳۹۲، ۳۰ صفحه
- ۴۷ قلمرو عرفی عشایر کوچنده نمونه بارزی از قرق های بومی در ایران، ۱۳۹۲، موسسه توسعه پایدار و محیط زیست، ۷۵ صفحه
- ۴۸ حیدری، ف. و هاشمی، ع.، ۱۳۹۳، تالاب کانی برازان به همت مردم زنده است، روزنامه اعتماد، شماره ۳۰۲۰، ۸ صفحه
- ۴۹ پورشاد، م.، ۱۳۸۸، نگین ارغوانی دشت سولدوز، انتشارات برگ زیتون، ۱۱۲ صفحه
- ۵۳ شریفی مقدم، م.، ۱۳۹۲، تجربه توسعه کشاورزی پایدار برای پیاده سازی رویکرد زیست بومی در مدیریت تالاب ها، طرح حفاظت از تالاب های ایران، انتشارات نگار نور
- ۵۵ پورلک، ل.، ۱۳۹۴، ارزش گذاری دانش بومی در مدیریت تالاب: نمونه موردی تالاب های فریدونکنار، اجلاس منطقه ای یونسکو با موضوع حفظ میراث فرهنگی ناملموس برای پایداری محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی، تهران
- ۵۷ دامگاه سنتی منطقه فریدونکنار، انجمن حمایت از درنای سبیری، ۶ صفحه
- ۵۸ پورلک، ل.، ۱۳۷۹، تحلیل سود و هزینه اکوتوریسم در زیستگاه زمستانگذرانی درنای سبیری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران

- ۵۹ حیدری، ح.، ۱۳۸۵، مدیریت پایدار و سازگار با محیط زیست کشت بوم های زراعی در منطقه تیراندازی ممنوع فریدونکنار، طرح بین المللی توسعه مناطق تالابی و شبکه های پروازی به منظور حفاظت از درنای سیری و سایر پرندگان مهاجر آبی در آسیا، ۲۴ صفحه
- ۶۱ فیلم قرق بومی ایل ابوالحسنی مقابله با تغییرات آب و هوایی از طریق نوآوری بومی، موسسه توسعه پایدار و محیط زیست و GEF/SGP/UNDP، هفت دقیقه
- ۶۲ گزارش پیشرفت طرح "مدیریت و قرق بومی قلمرو عرفی عشایر کوچرو ایل ابوالحسنی - مقابله با تغییرات آب و هوا، مدیریت مراتع و احیاء کشاورزی از طریق چرخه عبور از خشکسالی"، ۱۳۸۹، صندوق معیشت پایدار عشایر کوچرو ایل ابوالحسنی و موسسه توسعه پایدار و محیط زیست
- ۶۳ قلمرو عرفی عشایر کوچنده نمونه بارزی از قرق های بومی در ایران، ۱۳۹۲، موسسه توسعه پایدار و محیط زیست، ۷۵ صفحه
- ۶۴ فرهنگ دره شوری، ب.، ۱۳۹۲، مدیریت مرتع در ایل قشقایی پیش از ملی شدن جنگل ها و مراتع (تاریخ شفاهی). انتشارات برگ زیتون، ۳۳۶ صفحه
- ۶۶ دره شوری، پ.، ۱۳۹۳، بازتاب طبیعت زاگرس در نگاره های قشقایی، انتشارات ادیب مصطفوی، ۴۹ صفحه

1. Borrini-Feyerabend, G., & Campese, J. (2019). Self-strengthening ICCAs—guidance on a process and resources for custodian indigenous peoples and local communities-draft for use by GSI partners. The ICCA Consortium.
5. Berkes, F. (2009). Community conserved areas: policy issues in historic and contemporary context. *Conservation letters*, 2(1), 20-25.
7. Oviedo, G. (2006). Community conserved areas in South America. *Protected Areas Programme*, 49.
8. Smyth, D. (2006). Indigenous protected areas in Australia. *Parks*, 16(1), 14-20.
10. Pathak, N., Bhatt, S., Balasinorwala, T., Kothari, A., & Borrini-Feyerabend, G. (2004). Community conserved areas: a bold frontier for conservation. TILCEPA/IUCN, CENESTA, CMWG and WAMIP, Tehran.
11. Corrigan, C., & Hay-Edie, T. (2013). A toolkit to support conservation by indigenous peoples and local communities: building capacity and sharing knowledge for indigenous peoples and community conserved territories and areas (ICCAs). UNEP-WCMC, Cambridge, UK.
15. Ghayoumi, R. (2014). Marine and Coastal Indigenous and Community Conserved Areas (ICCAs) in the South of Iran and a Review of Related Laws. 64 p.
17. Stolton, S., Shadie P. and Dudley N. (2013). IUCN WCPA Best Practice Guidance on Recognising Protected Areas and Assigning Management Categories and Governance Types, Best Practice Protected Area Guidelines Series No. 21, Gland, Switzerland: IUCN. 143 p.
22. Ghazanfari, H., Namiranian, M., Sobhani, H. and Mohajer R.M. (2004). Traditional forest management and its application to encourage public participation for sustainable forest management in the northern Zagros mountains of Kurdistan Province (Iran). *Scandinavian Journal of Forest Research*. Vol.19, Issue S4. 65-71.

32. Cenesta, (2013). Evolutionary Plant Breeding: A method to adopt crops to climate changes, increase on-farm biodiversity and support sustainable livelihoods.
- 35, 37. Qeshm cluster of projects, (2013). GEF/SGP/UNDP-Iran, 6 p.
36. GEF, (2010). Experiences from SGP: Protecting International Waters.
45. The story of Community Based Ecotourism and ICCAs in Heybatlu sub-tribe, GEF SGP Iran & Heybatlu Tribal Investment Fund & Center for Conservation of Sustainable Ecosystems, 4 p.
46. Seyfi, S. and Hall, M. (2019). Tourism in Iran: Challenges, Development and Issues. Routledge publications, 193 p.



Community-conserved Areas in Iran;

Experiences and lessons learned

GEF Small Grants Programme, UNDP
Autumn 2020



SGP

The GEF
Small Grants
Programme

